

بمناسبت بیستمین سال وفات علامه حبیبی:

یادداشتها در
تاریخ صنایع افغانستان

نگارش

علامه عبدالرحی حبیبی

باهتمام

داکتر حوشحال حبیبی و حبیب الله رفیع

Ketabton.com

کتابشناسی ۸

نام کتاب : یادداشتها در تاریخ صنایع افغانستان

نگارش : علامه عبدالحی حبیبي

ناشر : مرکز تحقیقات علامه حبیبي

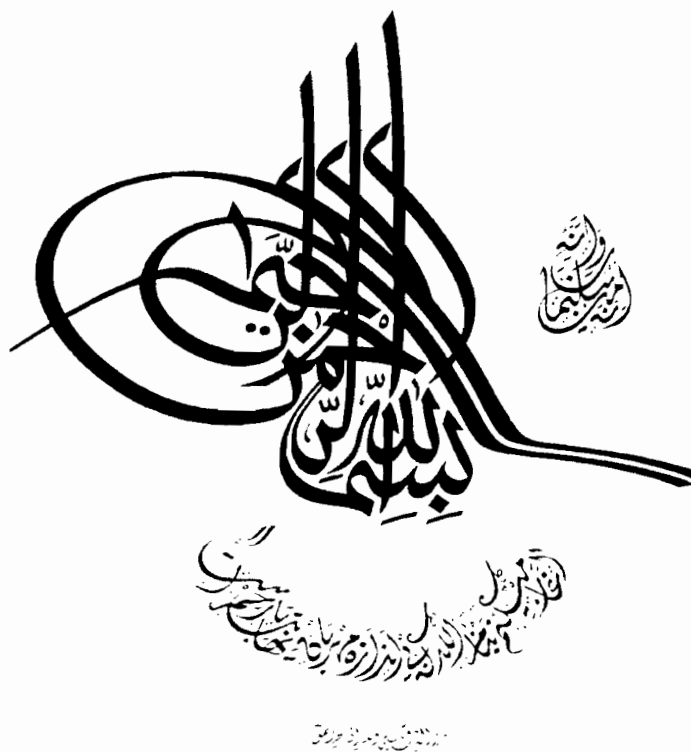
مهتم : محمدنبي تدبير

دیزاینر : محمدیوسف "ستانکزی"

جای طبع : مطبعه صنعتی احمد

تاریخ طبع : ۱۳۸۳ هـ ش / ۲۰۰۴ م

تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه



تاریخ صنایع افغانستان

عبدالحي حبيبي

تحقيقات علامه حبيبي

نبي تدبير

يوسف "ستانكزي"

صنعتي احمد

۱۶ هـ ش / ۲۰۰۴ م

نسخه ۱

فهرست

صفحه	عنوان
یکم	مقدمهء ناشر
۱	بسمه تعالی
۲	خطاطی
۹	مصوری و نقاشی
۱۸	بهزاد و مکتب او
۳۰	اثر مکتب هنری هرات بر فارس
۳۴	مکتب هنری هند
۳۸	تذهیب
۴۱	صحافی و جلد سازی
۴۶	فلز کاری و ترصیع
۴۹	منسوجات
۵۱	قالین بافی
۵۵	ابنیه
۵۸	نجاری

صفحه

یکم

۱

۲

۹

۱۸

۳۰

۳۴

۳۸

۴۱

۴۶

۴۹

۵۱

۵۵

۵۸

مقدمه

افغانستان کشور باستانیست که زندگیش در سه دوره از هم
مختلف مطالعه میشود:

یکی دوره قبل از تاریخ است که انسانهای مغاره نشین در آن زندگی
آغاز کرده و از پنجاه هزار سال بدینسو نمونه های صنایع، هنرها و
کارهای ابتدایی شان بدست ما رسیده است. آنها در ابتدا ازسنگ افزار
بسیار ابتدایی کار و شکار را ساخته و وقتیکه احتیاجات اولیهء زندگیشان
بر آورده شده بعد از آن بر دیوارهای غارهای مسکونی خود رسمهای
بسیار ابتدایی را کشیده که در شمال افغانستان در سمچهای خود در پهلوی
نقاشیهای دیگر چهرهء سمارق مانند انسان رانیز کشیده و بهمین ترتیب
آهسته، آهسته ظروف و افزار سنگی، گلی و باز برنجی و آهنی را ساخته
و صنایع و هنرها را بشکل ابتدایی آن بوجود آورده است.

یکم

دوره دوم دوره نیمه تاریخی، افسانوی یا دوره سرودها است، این دوره چنان دوره خاص زندگی افغانستان است که در زندگی دیگر کشورها وجود ندارد، درین دوره خط هنوز ایجاد نشده بود اما در آریانا ریشیان (شاعران) با سرودن اشعار اخلاقی خود راهنمایی مردم رامیکردند و بشکل شفاهی دوره آموزش و پرورش آغاز گردیده بود.

دوره سوم دوره تاریخی کشور است که درین دوره خط ایجاد گردیده بود، شاه مدبر آریانا یما یا جمشید در بلخ پایتخت باستانی کشور، بنیاد تمدنی شگوفان آریایی را گذاشته بود و بعد ازان سپین تمان زردشت دینی را که به شعار پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک استوار بود، بوجود آورد. بعد از ان با آمدن سکندر به آریانا تمدن یونانی باتمدن آریانی خلط گردید و بعد ازان دین بودایی به افغانستان آمد.

در نتیجه این تحولات و وقایع دیگر، صنایع و هنر انکشاف کرد و خصوصاً با آمدن دین بودایی در نقاشی و مجسمه سازی مکتب مستقل هنر گندهارا پا بعرصه وجود گذاشت و در افغانستان هزارها اثر هنری خلق و ابداع گردید.

با آمدن دین مقدس اسلام به افغانستان در جهان هنر و صنایع تجربه های نو صورت گرفت، صنایع ظریف و زیبا رواج یافت خصوصاً فنون و هنرهای خطاطی، تذهیب، نقاشی، میناتور و صحافی پیشرفت چشمگیری کرد و سبکها و مکتبهای مختلف دران ایجاد گردید.

شاد روان علامه عبدالحی حبیبی که نویسنده مبتکر، مؤرخ بصیر، و عالم علامه بود در تحقیقات عمیق و دقیق علمی و تاریخی خود در باره صنایع و هنر افغانستان پژوهشهای زیادی کرده است که درین راستا از مقاله و رساله گرفته تا کتب ضخیم برشتهء تحریر در آورده بود.

«هنر عهد تیموریان» اثری از استاد بود به قطع بزرگ و بیش از هزار صفحه که قبلاً نشر شده است و همچنین درین باره در اوقات مختلف مقالات و رساله های زیادی نگاشته است.

درین سلسله در آثار استاد علامه، رساله یی تحت عنوان «یادداشتها در تاریخ صنایع افغانستان» موجود است که در سال ۱۳۴۳ در پنج شمارهء مجلهء آریانا بطور مسلسل نشر شده است. درین رساله در دورهء اسلامی افغانستان در بارهء هنر ها و صنایع خطاطی، نقاشی، مصوری، تذهیب، صحافی، فلزکاری، منسوجات، قالینبافی، ابنیه و نجاری مطالب تحریر و تحت بررسی گرفته شده است.

همچنین در آثار علامه حبیبی رساله یی قلمی پنبته تحت عنوان «په شلمه سدی کې د افغانستان هنر» موجود است که دران خطاطی، نقاشی و رسامی، تیاتر، ساز و آواز و اتن ملی، تعمیرات و ابنیه، البسه و مفروشات، سنگتراشی و حکاکی، مسگری و آهنگری، نجاری، پاپوش سازی، سراجی، کلالی، زرگری معاصر و تشبثات دولتی درینباره را به بررسی میگیرد.

درین رساله علامه حبیبی هنر افغانستان را از سال ۱۲۸۰ تا ۱۳۵۲ شمسی تحت بررسی قرار داده اما سال نگارش آن بعد از ۱۳۵۷ است، بخاطریکه اولین مسودهء این رساله را بر پشت اوراق چاپی یک جنتری سال ۱۳۵۷ تسوید کرده و همچنین در متن آن جایی سال ۱۳۵۹ ذکر است و بدینترتیب این اثر کوچک ولی مؤجز و مهم اواز آخرین آثار زندگی وی محسوب میگردد.

سوم

اریخی، افسانوی یا دورهء سرودها است، این ندگی افغانستان است که در زندگی دیگر دوره خط هنوز ایجاد نشده بود اما در آریانا اشعار اخلاقی خود راهنمایی مردم رامیکردند و پرورش آغاز گردیده بود.

بخشی کشور است که درین دوره خط ایجاد یم یا جمشید در بلخ پایتخت باستانی کشور، را گذاشته بود و بعد ازان سپین تمان زردشت نیک، گفتار نیک و کردار نیک استوار بود، آمدن سکندر به آریانا تمدن یونانی باتمدن ن دین بودایی به افغانستان آمد.

و وقایع دیگر، صنایع و هنر انکشاف کرد و ی در نقاشی و مجسمه سازی مکتب مستقل بود گذاشت و در افغانستان هزارها اثر هنری

لام به افغانستان در جهان هنر و صنایع تجربه یع ظریف و زیبا رواج یافت خصوصاً فنون و نقاشی، میناتور و صحافی پیشرفت چشمگیری تلف دران ایجاد گردید.

حی حبیبی که نویسندهء مبتکر، مؤرخ بصیر، و عمیق و دقیق علمی و تاریخی خود در بارهء هشهای زیادی کرده است که درین راستا از ته تاکتب ضخیم برشتهء تحریر در آورده بود.

دوم

در حقیقت این هردو رساله صنایع و هنر افغانستان را در دوره اسلامی به بررسی میگیرد، اشکال و انواع این صنایع را بما می نمایاند و صنعتگران و هنرمندان این صنایع زیبا را معرفی میدارد.

مرکز تحقیقات علامه حبیبی که وظیفه گرد آوری و طبع آثار وی را دارد، این دو رساله را آماده طبع کرد که پهلوی هم چاپ شود و برای علاقمندان صنایع و هنرهای افغانستان عزیز معلومات مفید و مهمی را ارایه نماید.

ما تلاش داریم تمام کتب و رسایل قلمی و چاپی علامه حبیبی را بشکل جداگانه نشر نماییم و تمام مقالات وی را در مجموعه بیست جلدی بنام "زر مقالې/ هزار مقاله" گرد آوریم و همچنین اشعار و افکار او را در رساله های جداگانه چاپ کنیم و هم در باره آثار و زندگی این عالم گرانمایه، تحقیقات، رساله ها و مقاله ها را بدست نشر بسپاریم.

با دادن این مزده گفتار خود را خاتمه می بخشیم و بخوانش این دو اثر ظاهراً کوچک ولی معنأ بزرگ استاد، شما را دعوت میدهیم!

با احترام

مرکز تحقیقات علامه حبیبی

۱۳۸۳/۸/۱۷

چهارم

ن هر دو رساله صنایع و هنر اسلامی به بررسی میگیرد، اشکال و انواع پایاند و صنعتگران و هنرمندان این صنایع زیبا

ات علامه حبیبی که وظیفه گرد را دارد، این دو رساله را آماده طبع شود و برای علاقمندان صنایع و هنرهای بد و مهمی را ارایه نماید.

تتیب و رسایل قلمی و چاپی علامه حبیبی را و تمام مقالات وی را در مجموعه بیست مقاله گرد آوریم و همچنین اشعار و افکار او چاپ کنیم و هم در باره آثار و زندگی این تحقیقات، رساله ها و مقاله ها را

فتار خود را خاتمه می بخشیم و بخوانش این عناً بزرگ استاد، شما را دعوت میدهیم!

با احترام

ز تحقیقات علامه حبیبی

۱۳۸۳/۸/۱۷

چهارم

بسمه تعالی

یکی از موضوع های بسیار مهم و دلچسپی که باید در تاریخ کشور ما با دقت و تحقیق و کنجکاوی فراوان جستجو و فراهم آوری شود معلوماتی است در باره صنایع مختلف که در ادوار سابقه در افغانستان وجود داشته است.

تاریخ صنایع و هنر های نفیس جزو معنا به فرهنگ باستانی ماست و باید تمام نکات و جزویات آنرا فراهم آوریم و در آینده در پایان هر فصل تاریخ اوضاع صنعتی همان دوره را با بسط و تفصیل، مورد بررسی قرار دهیم. نویسنده این سطور در حین مطالعه کتب تاریخی نکات و یادداشت هایی را درین مورد فراهم آورده ام، که کافی و جامع و مانع نیست، ولی برای اینکه ضایع نشود و در آینده بدرد نویسندگان گرامی این رشته بخورد، آنرا به قید قلم می سپارم و ممکن است که در حین ترتیب و تدوین تاریخچه صنعت و هنر سودمند افتد، و هر مبحث آن بموقع خود گذاشته شود.

خطاطی

یکی از صنایع بسیار جالب و زیبای خراسان در دوره اسلامی هنر خوش نویسی است حتی برخی از دانشمندان هنر شناس معتقد اند، توجهی را که این مردم در ترتیب کتابهای خطی داشته اند بی نظیر است و هیچ یک از ملل عالم نتوانسته است پایه آنها برسد.

وقتی انسان یکی از کتب خطی این مردم را بدست میگیرد نمیداند چه قسمت آنرا بیشتر مورد دقت قرار دهد؟ زیرا تزئینات و تذهیب کاری و جاذبه و رنگ آمیزی و زیبایی خط و نقش و نگار جلد آن هر یک در خور دیدن و سحر انگیز است. که بیننده بی اختیار از دیدن تمام این محاسن هنری در شگفت می ماند. (۱)

صنعت خطاطی از اوایل دوره اسلامی در افغانستان رواج داشت، و برسم الخط کوفی که بقول دکتور ولفسون از رسم الخط نبطی متأخر برآمده بود. (۲) و عربها آن را در قرن هفتم میلادی در افغانستان رواج داده بودند، کتابها و کتیبه های خود را می نوشتند.

قدیمترین کتیبه این رسم الخط در افغانستان تا جایی که اکنون
 مکشوف و معلوم است در وادی توجی وزیرستان بریک سنگی بدست
 آمده، که در جمادی الاولی (۲۴۳ هـ ۱۸۵۷ م) در باره تعمیر بنایی نوشته
 شده و نه سطر برسم الخط کوفی و زبان عربی و پنج سطر رسم الخط سره
 دانا گری Sarada Nagri و زبان سنسکریت دارد، که این سنگ نبشته
 اکنون در موزه پشاور موجود است (۳) و از ملاحظه آن پدید می آید،
 که در اواسط قرن سوم هجری در حواشی شرقی افغانستان رسم الخط
 کوفی توأم با رسم الخط سنسکریت رواج داشت، و نفوذ آداب و رسوم
 اسلامی و عربی تا کوهسار توجی پهن شده بود.

کتیبه دیگر بهمین رسم الخط کوفی ساده بدون تزئینات بر کنار دریای
 سند در خرابه های شهر قدیم و یهند که بعد از عقب نشینی کابلشاهیان از
 فتوحات اسلامی پایتخت ثانی ایشان بود. بر دیوار کهن چاهی در سنه
 ۱۸۹۴ م پیدا شده و بران بزبان عربی و رسم الخط کوفی چنین نوشته است:
 "بسم الله الرحمن الرحيم بناهذالبئر ابو جعفر محمد بن عبدالجبار بن محمد
 الجوزجانی فی ذی القعدة سنه اثنی و ثمانین و اربعمائنه" (۴)

این کتیبه که بسال ۴۸۲ هـ ۱۰۹۰ م تعلق دارد نفوذ کامل رسم الخط
 کوفی را در افغانستان تا کرانه های اباسین بثبوت میرساند و اینکه کتیبه از
 طرف یکنفر فقیه جوزجانی افغانستان نصب شده، بجای خود مهم و
 دلچسپ است.

خطاطی

جالب و زیبای خراسان در دوره اسلامی هنر
 برخی از دانشمندان هنر شناس معتقد اند، توجهی
 کتابهای خطی داشته اند بی نظیر است و هیچ
 است پایه آنها برسد.

کتب خطی این مردم را بدست میگیرد نمیداند چه
 دقت قرار دهد؟ زیرا تزئینات و تذهیب کاری و
 زیبایی خط و نقش و نگار جلد آن هر یک در خور
 که بیننده بی اختیار از دیدن تمام این محاسن هنری

دوره اسلامی در افغانستان رواج داشت، و برسم
 تور ولفنسون از رسم الخط نبطی متأخر برآمده بود. (۲)
 هفتم میلادی در افغانستان رواج داده بودند، کتابها
 نوشتند.

قدیمترین کتابهای این رسم الخط که تا کنون بخط مردم خراسان در موزه های اروپا و کتب خانه ها موجود اند عبارتند از کتاب الابنیه عن حقایق الادویه تألیف ابو منصور موفق هروی که در شوال ۴۴۷ هـ (جنوری ۱۰۵۶ م) بخط علی بن احمد طوسی خواهر زاده یا برادر زاده فردوسی خراسانی نوشته شده و نسخهء واحدهء خطی آن در کتب خانهء و یانا است (۵) دیگر جلد ثالث شرح کتاب التعرف لمذهب التصوف است که در حدود (۳۹۰ هـ) زاهد فقیه امام ابو ابراهیم اسمعیل بن محمد مستملی بخاری (متوفی ۴۳۴ هـ) کرده است (۶) این کتاب از مهمترین آثار قدیم زبان فارسی فصیح عصر سامانی است که یک نسخهء خطی قدیم آن با خط بسیار پخته و زیبای کوفی در ۲۴ شوال ۴۷۳ هـ ۱۰۸۰ م نوشته شده و در پشاور پښتونستان در کتب خانهء مولانا فضل صمدانی موجود بود.

دیگر کتاب خطی بهمین رسم الخط کتاب هدایة المتعلمین تألیف ابوبکر ربیع ابن احمد بخاریست، که نسخهء خطی واحدهء آن در اکسفورد انگلستان موجود و نوشتهء (۴۷۸ هـ) است.

از نسخهء خطی کتاب ترجمان البلاغه محمد بن عمر را دو یانی که در سنه ۵۰۷ هـ بخط ارد شیرین دیلمسپار قطبی از شاگردان اسدی طوسی نوشته شده و در کتب خانهء فاتح استانبول موجود است پدید می آید (۷) که رسم الخط کوفی از اوایل دورهء اسلامی تا اواخر دورهء غزنویان و عصر سلجوقیان برای نوشتن کتب استعمال می شد. اما از مقابله قدیمترین نمونهء خط کوفی که تا کنون کشف شده و در حران جبل دروز بر سنگی

بالای کلیسایی بزبان عربی و یونانی نقش و متعلق به سال ۵۶۸م است، و بعد از آن بر کتیبه قبری در مصر همین رسم الخط مربوط بسال ۳۱هـ موجود است. (۸) معلوم می شود که خط کوفی اوایل خیلی ساده و بسیط و نازیا و حروف آن خیلی فراخ و کم ارتفاع بود. ولی بمرور زمان ذوق مردم خراسان آنرا پروراند تا که در اوایل قرن پنجم هجری کشیده و زیبا شده و در دوره سلجوقی خط کوفی بر دقت و زیبایی خود افزود (۹) تا که خط نسخ ازان بوجود آمده و بعد از ان در قرن هفتم به تعلیق تحول کرد و از مجموعهء نسخ و تعلیق خطی بنام نستعلیق بمیان آمد، که رقت و شیوایی و سهولت و نرمی و ارتجالی را دران مشاهده میکنیم (۱۰) اختراع خط نستعلیق منسوب به قیلة الکتاب میر علی از درباریان تیموریه خراسان است یک نسخه خطی همای و همایون خواجوی کرمانی بتاریخ ۷۹۹هـ (۱۳۹۷ م) بقلم او نوشته شده و در موزه برتانیاست. (۱۱) مکتب نستعلیق نویسی در خراسان و هرات در سایه هنر پروری تیموریان در عصر رنسانس هنری هرات باوج کمال رسید. عبدالله پسر میر علی کار پدر را تکمیل کرد و از دو نفر شاگردان میر علی، مولانا جعفر ریاست دبیرخانه بایسنقر میرزا را در هرات داشته و چهل نفر خوشنویس، زیر دست او بودند.

جعفر بایسنقری دراکادیمی هرات نفیس ترین کتب دنیا یعنی نسخهء شهنامه فردوسی را در سنه ۸۲۳هـ (۱۴۲۰ م) نوشته (موزه گلستان تهران) که بجایش شرح داده خواهد شد. همچنین نسخهء خطی گلستان سعدی را

رسم الخط که تا کنون بخط مردم خراسان در خانه ها موجود اند عبارتند از کتاب الابنیه عن منصور موفق هروی که در شوال ۴۴۷هـ (جنوری محمد طوسی خواهر زاده یا برادر زاده فردوسی نسخهء واحدهء خطی آن در کتب خانه و یانا شرح کتاب التعرف لمذهب التصوف است که تفسیر فقیه امام ابو ابراهیم اسمعیل بن محمد مستملی کرده است (۶) این کتاب از مهمترین آثار قدیم سامانی است که یک نسخهء خطی قدیم آن با کوفی در ۲۴ شوال ۴۷۳هـ ۱۰۸۰ م نوشته شده و کتب خانه مولانا فضل صمدانی موجود بود.

همین رسم الخط کتاب هدایة المتعلمین تألیف بخاریست، که نسخهء خطی واحدهء آن در دست نوشتهء (۴۷۸هـ) است.

ترجمان البلاغه محمد بن عمر را دو یانی که در شیرین دیلمسپار قطبی از شاگردان اسدی طوسی خانهء فاتح استانبول موجود است پدید می آید (۷) اوایل دورهء اسلامی تا اواخر دورهء غزنویان و شستن کتب استعمال می شد. اما از مقابله قدیمترین کتون کشف شده و در حران جبل دروز بر سنگی

همین جعفر در هرات بسال ۸۳۰ هـ (۱۴۲۶ م) برای شهزاده بایسنقر نوشت که بهترین کتابهای خطی کلکسیون چستر بیٹی لندن شمرده میشود، و علامت کتابخانه بایسنقر میرزا را دارد.

عده زیاد نسخ خطی عالی مکتب هرات متعلق بدوره شاهرخ اند. یک نسخه عالی خمسه نظامی که در مجموعه لویی کارتیه در پاریس موجود است مهور به مهر شاهرخ است. (۱۲) اما شاگرد دیگر میر علی، مولانا اظهر (متوفی ۸۸۰ هـ ۱۴۷۵ م) هنرمند جهانگردی بود، که خط نستعلیق را از هرات تایت المقدس نشر داد، و یک شاگردش سلطان علی از ۸۷۵ تا ۹۱۲ هـ در هرات بدربار سلطان حسین بایقرا بسر می برد، که دیوان وزیر هرات میرعلی شیر نوایی را در ۹۰۵ هـ ۱۴۹۹ م نوشت و بخط همین استاد، نسخه گوی و چوگان عارفی بین سنوات ۸۷۰-۸۸۰ م در هرات نوشته شد که اکنون به نمره ۱۸۱۰ در کتابخانه فاتح در استانبول موجود است.

یکی از آثار آنزمان که مصدر الهام برای هنرمندان این مکتب بوده، دیوان شاعر معروف حضرت جامی است (۸۱۷-۸۹۸ هـ ۱۴۱۴-۱۴۹۲ م) در موزه متروپولیتن نسخه یی ازین دیوان موجود است که بین سالهای ۸۶۸-۸۸۴ هـ در زمان حیات جامی بوسیله خطاط معروف عبدالکریم خوارزمی نوشته شده و از لحاظ سبک خط شباهت زیادی به نسخه یی ازان دیوان دارد، که در سال (۸۶۸ هـ ۱۴۶۳ م) توسط عبدالرحیم برادرش استنساخ شده، این هر دو خطاط زبردست شیوه خط نستعلیق را تغییر

سال ۸۳۰ هـ (۱۴۲۶ م) برای شهزاده بایسنقر نوشت طی کلکسیون چستر بیٹی لندن شمرده میشود، و بر میرزا را دارد.

عالی مکتب هرات متعلق بدوره شاهرخ اند. یک نظامی که در مجموعه لویی کارتی در پاریس مهر شاهرخ است. (۱۲) اما شاگرد دیگر میر علی، ۸ هـ (۱۴۷۵ م) هنرمند جهانگردی بود، که خط تالمقدس نشر داد، و یک شاگردش سلطان علی روات بدربار سلطان حسین بایقرا بسر می برد، که شیر نوایی را در ۹۰۵ هـ ۱۴۹۹ م نوشت و بخط ی و چوگان عارفی بین سنوات ۸۷۰-۸۸۰ م در یون به نمره ۱۸۱۰ در کتابخانه فاتح در استانبول

که مصدر الهام برای هنرمندان این مکتب بوده، برت جامی است (۸۱۷-۸۹۸ هـ ۱۴۱۴-۱۴۹۲ م) که بی ازین دیوان موجود است که بین سالهای حیات جامی بوسیله خطاط معروف عبدالکریم ز لحاظ سبک خط شباهت زیادی به نسخه بی سال (۸۶۸ هـ ۱۴۶۳ م) توسط عبدالرحیم برادرش و خطاط زبردست شیوه خط نستعلیق را تغییر

دادند، و فرزندان عبدالرحمن خوشنویس معروف بودند. (۱۳) خطاطان معروف و هنرمندان دیگر در اکادمی هرات عبدالکریم ولد عبدالرحمن خوارزمی، و ابراهیم بن شاهرخ بن تیمور و خود بایسنقر میرزا است، که درین دوره بعد از پیشرفت خط نستعلیق دو نوع خط دیگر یعنی خط دیوانی و دشتی نیز بوجود آمده است. (۱۴)

هنر خطاطی در افغانستان دوره ارتقای خود را تکمیل کرد، و در قرن نوزدهم دو مکتب خاص دران موجود بود. اول مکتب میرعبدالرحمن هروی که در اواخر عصر سقوط سدوزائیان میزیست و در نستعلیق نویسی آیتی بود و همین مکتب را تا کنون برخی از شاگردان این دبستان تعقیب می نمایند، که یکی از ایشان دانشمند فیضی کابلی است و درین اواخر مناجات حضرت خواجه عبدالله انصاری را بهمین اسلوب نوشته و عکاسی شده است و پیش ازین مرحوم میرزا محمد یعقوب از خطاطان معروف این مدرسه بود.

مکتب معروف دیگر نستعلیق دبستان سید عطا محمد شاه قندهاریست که فرزندش سید عثمان آقا و دو نفر شاگردش سید داؤد الحسینی و سید ایشان آقا تا کنون چشم و چراغ این محفل اند، و این هنرمندان رویه میر عماد معروف را پیروی نمایند.

علاوه برین دبستان خط شکسته نیز در چند قرن اخیر موجود بوده و نمونه های خوبی ازین اسلوب بخط مرحوم سردار غلام محمد خان طرزی

افغان دیده شده و درین وقت بناغلی عزیزالدین پوپلزی در انواع خطوط هنرنمایی دارد.

مآخذ:

- (۱) صنایع ایران بعد از اسلام از دکتور زکی محمد حسن مصری، ص ۶۴ ترجمه و طبع تهران ۱۳۲۰.
- (۲) تاریخ اللغات السامیه طبع مصر.
- (۳) مجله، ایگرافیا اندیا اسلامیکا ۱۹۲۶ م.
- (۴) هیند بک آف پشاور موزیم ص ۹ و ۱۰.
- (۵) تاریخ ایران از براون ج ۱ ص ۶۹۲.
- (۶) کشف الظنون ۴۱۹.
- (۷) رجوع بطبع عکسی احمد آتش از استانبول ۱۹۴۹.
- (۸) تاریخ اللغات السامیه طبع مصر.
- (۹) مهم ترین آثار این ادوار افغانستان در رسم الخط کوفی کتیبه، قبر سلطان محمود در غزنه ۴۲۱ هـ و کتیبه، بنای مرقد حضرت امام یحیی بن زید مقتول ۱۲۵ هـ در سرپل (جوزجان) است که تاریخ ندارد.
- (۱۰) دکتور زکی حسن در کتاب تاریخ صنایع بحواله سروی آف پرشن آرت ۲ / ۱۷۳۲.
- (۱۱) رهنمای صنایع اسلامی اردیمانند ترجمه فارسی طبع تهران ۱۳۲۶.
- (۱۲) راهنمای صنایع اسلامی ۵۵.
- (۱۳) راهنمای صنایع اسلامی ۵۷.
- (۱۴) زکی محمد حسن در صنایع ایران ص ۷۰.

مصوری و نقاشی

از آثار مانوی که در تورفان کشف شده و نیز از عنعنه قدیمی که در ادب و کلتور ممالک آسیای وسطی موجود است فهمیده می شود، که مصوری و نقاشی در خراسان از عصور قبل از اسلام رواج داشته و در افغانستان از امتزاج هنر بودایی و یونانی، سبک هنری گریکوبودیک در مدارس گندهارا بوجود آمده بود، که در عصر کوشانیان این هنر در افغانستان صیغه خاص محلی را یافته بود.

مصوری و مجسمه سازی گندهارا در ادب و آرت دوره اسلامی آنقدر نفوذ نمود، که شعرای قدیم فارسی بت قندهار و نقش قندهار را سمبول حسن و جمال قرار دادند. سنائی غزنوی گفت:

صانعی باید حکیم و قادر و قایم بدات تا پدید آید ز صنع وی بتان قندهار(۱)
حتی گاهی تنها کلمه قندهار سمبول زیبایی و جمال بود، ناصر خسرو علوی گفت:

سوی شاخ بادام شو بامداد اگر دید خواهر همرقندها (۲)

در دوره اسلامی در افغانستان فن نقاشی و مصوری را از عهد سامانیان بلخی سراغ داریم، بدین معنی که در قرن چهارم هجری نصر بن احمد سامانی نسخهء ترجمه شدهء کلیله و دمنه را بوسیلهء نقاشان چینی مصور نموده بود و نقاشی روی دیوار های کاخها نیز از همین دوره مرسوم بود، که استاد معروف هر تسفلد در سیستان نمونه هایی از آن یافته است. (۳) و هنگامیکه آثار لشکرگاه غزنویان در بست کنار هلمند کشف شد، و بر دیوار های آن تصاویر غلامان محمودی دیده می شود، از ملاحظه آن به یقین می پیوندد، که هنر مصوری در آن عهد چه مراحل را می پیمود و علاوه برین از روایت ابو الفضل بیهقی میدانیم، که شهزاده مسعود فرزند سلطان محمود در باغ عدنانی هرات عیش خانه بی داشت که دیوار های آنرا به نقوش و تصاویر گوناگون آراسته بودند. (۴) اما نقاشی های دیواری که در دوره ساسانی مرسوم بوده است در دوره اسلامی استعمال آن منحصر بدیوار های حمامها و تالار ها و سالن های خصوصی شده و در دوره اسلامی مکتب های مصوری سلجوقی و مغولی و تیموری و صفوی معروف است که منبع و پرورشگاه تمام این مکاتب هنری باز خراسان بوده و در خاکهای پارس و عراق و تورکیه پرورده شده است. (۵)

یک نسخه شاهنامه فعلاً در موزه طوپقاپوسرای استانبول هست که در سال ۷۱۳ هـ ۱۳۳۱ م نوشته شده، ولی صور و نقوش این نسخه برزخ میان

افغانستان فن نقاشی و مصوری را از عهد سامانیان
 معنی که در قرن چهارم هجری نصر بن احمد
 دهه کیلیه و دمنه را بوسیله نقاشان چینی مصور
 دیوار های کاخها نیز از همین دوره مرسوم بود،
 در سیستان نمونه هایی از آن یافته است. (۳) و
 غزنویان در بست کنار هلمند کشف شد، و بر
 لامان محمودی دیده می شود، از ملاحظه آن به
 مصوری در آن عهد چه مراحل را می پیمود
 الفضل بیهقی میدانیم، که شهزاده مسعود فرزند
 نانی هرات عیش خانه بی داشت که دیوار های
 گوناگون آراسته بودند. (۴) اما نقاشی های
 ساسانی مرسوم بوده است در دوره اسلامی
 های حمامها و تالارها و سالن های خصوصی
 مکتب های مصوری سلجوقی و مغولی و
 است که منبع و پرورشگاه تمام این مکاتب
 در خاکهای پارس و عراق و تورکیه پرورده
 در موزه طوپقاپوسرای استانبول هست که در
 شده، ولی صور و نقوش این نسخه برزخ میان

صورت های مکاتب سابق و لاحق بوده و بازگشت زمینه قرمز رنگ سلجوقی
 و سادگی و عدم تصنع در رسوم اشخاص آن دیده می شود، که تأثیر
 روش مغولی در آرایش لباس و مناظر کوهستانی گل و بوته آن نیز
 مشهود است. (۶)

از بهترین صور نقاشی شده سبک مغولی افغانستان در حدود بعد از قرن
 ششم هجری مرقعی است از کیلیه و دمنه که بعداً برای شاه طهماسب اول
 صفوی فراهم آوری شده و اکنون در کتابخانه پوهنتون استانبول
 موجود است.

در کشیدن صورت اشخاص این مجموعه دقت و مهارتی دیده می شود
 و نقاش از روشهای چینی عناصری را در آن اقتباس کرده، که در مناظر
 طبیعی آن بنظر می آید و در مراعات حالت طبیعی و اتقان اشکال آدمی و
 حیوانی بحدی موفق است که هنرمندان و نقاشان تبریز هم بآن پایه نرسیده
 اند. بهر حال یک روحانیت و حالت طبیعی در این مجموعه مشهود است
 که بما اجازه میدهد آنرا از صنایع هرات که در نیمه قرن هشتم صنایع و
 فنون دران بر اثر پایتخت بودن سلاطین کورت رونق یافته بود، بدانیم. اما
 این صور و اشکال خالی از یک روح هندی نیست و شاید دلیل این باشد
 که سلاطین کورت منسوب به غوریان اند، که در سالهای (۵۴۳-۶۱۲ هـ
 ۱۱۴۸-۱۲۱۵ م) بر افغانستان و هند حکومت کرده اند و این رابطه و
 نسبت که بین دو سلسله بوده است در فنون هنر هرات تأثیر
 داشته است. (۷)

این رأی مؤلف صنایع اسلام قرین بصواب است زیرا از ملاحظه تاریخ سیفی هروی که از مؤرخان دربار آل کورت هرات است بخوبی میدانیم که شاهان آل کورت تا دره بولان و حدود سر زمین سند حکمرانی داشتند و شاید آثار هنری هندی را بدربار خویش در اثر تماس با مردم سند به هرات انتقال داده باشند.

در سال ۷۷۱ هـ ۱۳۷۰ م سمرقند پایتخت تیمور شد، وی مشهور ترین هنرمندان را در آن شهر فراهم آورد اما تابلوهای نقاشی که بشهر سمرقند منصوب اند خیلی کمیابند و بهمین جهت شاید ممکن نباشد آثار فنی زیادی بآن نسبت داد، فقط میتوان اشکال منقول از نمونه های چینی و بعضی اشکال دیگر را که روشهای چینی در آن تاثیر کرده و مشتمل بر رسوم و اشکال حیوانات حقیقی و خرافی و بعضی کتابهای خطی علوم فلکی را منسوب بآن شهر دانست. (۸)

شاهرخ (۸۰۷-۸۵۰ هـ) = ۱۴۰۴-۱۴۴۷ م پسر و جانشین تیمور هرات را مقرر حکومت خود قرار داد، وی عده زیادی از هنرمندان را برای استنساخ و مصور ساختن کتب جهت کتابخانه خود استخدام کرد، که در بین آنها خلیل نقاش را میتوان نام برد، که در آن زمان یکی از عجایب اربعه و تالی مانی بشمار میرفت. (۹)

بایسنقر میرزا (متوفی ۱۴۳۳ م) پسر شاهرخ یک کتابخانه و مدرسهء فنون کتابت تأسیس کرد، که در آن چهل هنرمند از قبیل نقاش و خوش نویس و صحاف کار میکردند، و در رأس آنها جعفر بایسنقری خطاط

مشهور بود، از جمله نقاشان امیر شاهی سبزواری و غیاث الدین را میتوان نام برد، غیاث الدین جزویک هیئت سیاسی از طرف شاهرخ به چین فرستاده شد. (۱۰)

چون روابط محکم بین دربار هرات و خاندان شاهان منگ چین (۷۷۰-۱۰۵۴م) موجود بود و سفرای جانبین بدربار های یکدیگر فرستاده می شدند، بنابراین تأثیر هنر چینی در مکتب فنی هرات نمایان است که از آن جمله تزئین جلد های کتب به رسوم حیوانات خرافی چینی است. (۱۱)

اگر چه نقاشان دربار بمصور ساختن شاهنامه ادامه میدادند، اما موضوعی که بیشتر توجه آنها را جلب میکرد، اشعار عاشقانه و تصوفی بود، که برای نقاشی این اشعار مکتب هرات سبک جدیدی ابداع کرد، که متناسب با معنی و مفهوم اشعار غنایی و عاشقانه باشد.

معمولاً اشکال انسان درین تصاویر ظریف و کوچک ترسیم شده و منظره آن کاملاً محیطی و تزئینی و دارای افق بلند و جبال اسفنجی است، رنگ آمیزی این تصاویر روشن و هم آهنگ است و با مقایسه با نقاشی دوره اولیه مغول، رنگهای جدید بآن اضافه شده است.

ایجاد این سبک خاص در نقاشی که بتدریج نفوذ های خارجی دران مستهلک گردید مرهون مکتب نقاشی هراتست بدین تفصیل:

در عصر شاهرخ فن نقاشی مرحله اقتباس و فراگرفتن از فنون اجنبی را پیمود، و بدوره جوانی خود رسید، و توانست چیز هائی را که از دیگران گرفته است در خود تحلیل کرده و جزء لایتجزای خود سازد. در صور و

اشکالی که در اواخر قرن ۸ هـ (۱۴م) کشیده شده میتوان مهمترین وسایل تزئینات سبکهای فنی را دید، و همین وسایل در قرن بعد از بزرگترین ممیزات نقاشی مکتب هرات گردید. که مهمترین خصایص آن همان مناظر زیبای گلها و گلزارها و مناظر بهاری و پس از آن رنگهای درخشان و زیبایی است که هیچگاه خروج از رنگی بدیگری وحدت و استقلال آنها را متزلزل نمیکند و از ممیزات دیگر این مکتب مناظر طبیعی و کوه و تپه هایست که بشکل اسفنج کشیده شده و علاوه برین نقاشان این دوره توانسته اند میان اشخاص و ساختمانها یا سایر مناظری را که می کشد نسبت های مقبول و معقولی را قایل شوند، و تطور فنی مکتب هرات خیلی واضح تر و آشکار تر است. و از آثار مهم این دوره مجموعه اشعار است بقلم مرتضی حسینی (قسمت اسلامی موزه دولتی المان در برلین) که در سنه ۸۲۳ هـ ۱۴۲۰ م برای کتابخانه بایستقر شاهزاده تیموری نوشته شده است. و امتیاز این نسخه در این است که نقاش توانسته است، صورت اشخاص را آنقدر که ممکن بود کم کند و در رنگ آمیزی و کشیدن کوه و تپه مهارت نشان دهد. نقاشان این دوره از سبکهای فنون چینی اقتباس کرده و هضم کرده اند و یک سبک مستقل و قوی را که نماینده روح فنی عصر بود بوجود آوردند. (۱۲)

میناتورهای کتب عصر تیموری از حیث سبک یکدیگر شباهت دارند و به شیوه میناتور سازی که چندی بعد در هرات ظاهر شد، خیلی شباهت دارند.

ن ۸ هـ (۱۴م) کشیده شده میتوان مهمترین وسایل دید، و همین وسایل در قرن بعد از بزرگترین هرات گردید. که مهمترین خصایص آن همان زرها و مناظر بهاری و پس از آن رنگهای درخشان نگاه خروج از رنگی بدیگری وحدت و استقلال از کمالات دیگر این مکتب مناظر طبیعی و کوه و سفنج کشیده شده و علاوه برین نقاشان این دوره را قابل شوندا یا سایر مناظری را که می کشد و از آثار مهم این دوره مجموعه اشعار است. و از آثار مهم این دوره دولتی المان در برلین) که در کتابخانه بایسنقر شاهزاده تیموری نوشته شده در این است که نقاش توانسته است، صورت سکن بود کم کند و در رنگ آمیزی و کشیدن دهد. نقاشان این دوره از سبکهای فنون چینی اند و یک سبک مستقل و قوی را که نماینده آوردند. (۱۲)

تیموری از حیث سبک بیکدیگر شباهت دارند ی که چندی بعد در هرات ظاهر شد، خیلی

خصایص این قسم مینیاتور عبارتست از کوه هایی در فواصل معین با سبزه پوشیده، افق بلند و رنگهای جدید به الوان گوناگون. در تحت نظر این هنرمندان هرات و بدست آنان عصر طلایی مینیاتور سازی ظاهر گردیده نقاشی ها و تصاویری که این صنعتگران کشیده اند به مقیاس کوچک است، و در ساختن آن دقت زیاد کرده اند، و مخصوصاً به ریزه کاری خیلی اهمیت داده اند. این مینیاتور ها تأثیر آرایشی فراوان دارند و رنگهای جدیدی که در آن استعمال شده، لطیف و خوش منظر است، درین مینیاتور ها فاصله هایی بین تصاویر، بطرز تازه بی نشان داده می شود. چونکه تصاویر در چند سطح کشیده شده اند، تا اینکه دوری و نزدیکی نسبت بیکدیگر را بنمایند، طبقات نازک صخره و کوه هایی که بافق منتهی میشود، بانواع رنگهای قشنگ ساخته شده. درختان گل و گیاه و جزئیات آن با دقت کشیده و نمایش داده شده است. آسمان بالای افق اغلب طلائی رنگست. و برای نشان دادن ابرپیچ نازکی بسبک چین کشیده شده آسمان شب را با رنگ سرمه ئی و ماه و ستارگان را با رنگ طلائی جلوه داده اند. و چنانچه گفتیم نقاشان به مصور ساختن و مینیاتور کاری شاهنامه فردوسی ادامه میدادند، ولی درین زمان آثار شعرای بزمی، وسیله و صحنه جدیدی برای ابراز این صنعت بوده، کتب سعدی ونظامی را استنساخ کرده و با مینیاتور های عالی آرایش کرده اند. و این آثار مانند عکاسی نیست، بلکه بیشتر جنبه آرایش و زینت دارد، و هیچگاه سعی نشده است

منظره یی را نشان بدهند که بعینها همان باشد، که بچشم یا دور بین عکاسی میآید. و قوه مخیله و تصور در آرایش آن میدان وسیعی دارد. (۱۳)

تکنیک دقیق و طرز نشان دادن منظره و کوچکی اشکال از خصایص مکتب هرات در نیمه اول قرن (۱۵ م) است. (۱۴)

از قدیمترین کتب خطی منسوب بمکتب هرات کتاب کلیله و دمنه (کاخ گلستان تهران) است، که در اتقان تصویر طبیعت و آثار آن و هضم و تحلیل عناصر چینی ممتاز است. و نسخه خطی گلستان سعدی ۸۳۹ هـ (۱۴۲۶ م) که برای بایسنقر نوشته شده و دارای ۸ تصویر بدیع و زیباست، تمام ممیزات و محسنات فنی مکتب هرات را دارد. (۱۵)

در موزه هنرهای زیبای پاریس تابلوی ملاقات همای و همایون در باغ های کاخ شاهی چین از شهکارهای نقاشی مکتب هرات است، که سراسر آن ابداع مقرون بزبایی و وفق دادن بین اجزاء و قدرت کامل بر تعبیر عواطف و افکار بوده و جنبه اشرافی و بزرگی اشخاص بخوبی دران آشکارست، رنگ آمیزی عجیب و گلهای زیبایی که دران کشیده شده جذبه خاص بدان میدهد.

علاوه برین تابلو، صورت مستقل دیگری نیز روی پارچه ابریشمی طبق روش چینی در مکتب هرات کشیده شده و تصور میروود که از آثار همان غیاث الدین نقاش باشد، که در سالهای ۸۲۳-۸۲۷ هـ جزء هیئت اعزامی شاهرخ به چین بود. این آثار نفیس در موزه های نیویارک و بوستن و

که بعینها همان باشد، که بچشم یا دور بین عکاسی مور در آرایش آن میدان وسیعی دارد. (۱۳)

نشان دادن منظره و کوچکی اشکال از خصایص یل قرن (۱۵ م) است. (۱۴)

خطی منسوب بمکتب هرات کتاب کلیله و دمنه است، که در اتقان تصویر طبیعت و آثار آن و هضم ممتاز است. و نسخه خطی گلستان سعدی ۸۳۹ هـ تفر نوشته شده و دارای ۸ تصویر بدیع و زیباست، فنی مکتب هرات را دارد. (۱۵)

بای پاریس تابلوی ملاقات همای و همایون در باغ شهکارهای نقاشی مکتب هرات است، که سراسر و وفق دادن بین اجزاء و قدرت کامل بر تعبیر و جنبه اشرافی و بزرگی اشخاص بخوبی دران ی عجیب و گلهای زیبایی که دران کشیده شده است.

رت مستقل دیگری نیز روی پارچه ابریشمی طبق هرات کشیده شده و تصور میرود که از آثار همان سالهای ۸۲۳-۸۲۷ هـ جزء هیئت اعزامی آثار نفیس در موزه های نیویارک و بوستن و

مجموعه کونتس دوبهاک موجودند که اجتماع سبکهای چینی و هراتی را در کمال مهارت و خوبی نمایندگی می کنند.

اما مکتب فنی هرات از نیمه قرن نهم هجری (۱۵ م) در پیوند صور و اشکال و رنگ آمیزی آنها یک تشخیص قوی و مستقلی را تشکیل داد، که نسخه انجمن آسیایی لندن، نوشته شده برای محمد جوکی بن شاهرخ در حدود ۸۴۰ هـ نماینده آنست، و همچنین دیوان اشعار سلطان حسین میرزا (متوفی ۸۹۰ م) در مناظر طبیعی و تصاویر ابنه و سیما و چهره مغولی اشخاص و تناسب رنگها از پیشرفت فنی هنرمندان مکتب هرات حکایه میکند. (۱۶)

مآخذ:

- (۱) دیوان سنایی ص ۱۴۱ بحواله مضمون نویسنده این سطور در مجله آریانا حوت ۱۳۴۰.
- (۲) دیوان ناصر خسرو، ص ۲۰۰.
- (۳) صنایع ایران بعد از اسلام ص ۸۸
- (۴) تاریخ بیهقی ۱۳۰.
- (۵) صنایع ایران ص ۸۸
- (۶) همین کتاب ص ۹۵.
- (۷) صنایع ایران ص ۹۶.
- (۸) صنایع ایران ص ۹۹.
- (۹) راهنمای صنایع اسلامی ۵۴.
- (۱۰) همین کتاب ۵۴.
- (۱۱) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۰۴.
- (۱۲) صنایع ایران ۱۰۲.
- (۱۳) صنایع ایران ۱۷۰.
- (۱۴) راهنمای صنایع اسلامی ۵۶.
- (۱۵) صنایع ایران ۱۰۵.
- (۱۶) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۰۸.

بِهزاد و مکتب او

بزرگترین نقاشان دوره اسلامی، کمال الدین بهزاد در سنه ۸۵۴ هـ ۱۴۵۰ م در شهر هرات بدینا آمد (متوفی ۹۴۴ هـ ۱۵۳۷ م؟) وی شاگرد سیداحمد نقاش است که در دربار سلطان حسین میرزا تا ۹۱۶ هـ میزیست و بعد از آن بدربار صفویان پارس رفت و در سنه ۹۲۸ هـ ۱۵۲۲ م بموجب فرمان شاه اسمعیل صفوی مدیر کتابخانه سلطنتی و انجمن فنون کتاب نویسی و ریاست تمام هنرمندان نایل آمد. (۱)

بابر بهزاد را بزرگترین تمام نقاشان گفته و مؤرخین دیگر نوشته اند که استادی و مهارتش نام سایر نقاشان را محو کرده و یک مو از قلم او به جملات زندگانی بخشیده. وی اولین نقاش دوره اسلامی است که ملزم با مضای آثار فنی خود شده و بر اثر علوم مقام و منزلتی که داشته توانست که بر تمام خطاطان و نقاشان پیشی گیرد. وی در رنگ آمیزی و مزج

رنگها و دانستن خواص و ترکیب آن و در تعبیر حالات مختلفه نفسانی مهارت داشت و مخصوصاً در کشیدن اشکال ابنیه و مناظر طبیعی بحد اعجاز رسیده است. در تصاویر وی آرامش و خوش سلیقگی و ابداع و مهارت موجود است و در ترکیب و تزئین آن و انسجام رنگها کمال نقاشی مکتب تیموری را بروز داده است و مدققین رأی دارند که در تصاویر بهزاد مقدار زیادی از عنصر حب الهی و مقام روحانیت و قدوسیت دیده می شود. و شاید این جنبه در اسلوب نقاشی بهزاد برای این باشد که مشرب تصوف مقارن تولد بهزاد و دوره کودکی او \bullet اوج عظمت خود رسیده بود. (۲)

میناتور های زیادی موجود است که به بهزاد نسبت داده شده ولی تقریباً همه آنها مورد تردید بعضی از اهل بصیرت است. نقاشان عصر تیموریان قبل از بهزاد کار هایی انجام داده اند که اگر کاملاً پبای کار های بهزاد نرسند، نزدیک به آن می باشد یکی از نقاشان عصر بهزاد و همکار او قاسم علی بود، گرچه شهرت بهزاد را نداشت، اما کار هایش بپایه کار های وی میرسد. دو نفر از شاگردان بهزاد شیخ زاده خراسانی و آقا میرک تبریزی تقریباً بهمان درجه استادی بهزاد رسیده اند. میتوان تصور کرد که بسیاری از نقاشی ها را خود استاد طرح ریزی کرده و شاگردانش آنها را تمام و تکمیل کرده اند.

میناتور دولابی ازان دوره، که اکنون بدولت ایران تعلق دارد دارای منظره باغ و تصاویر متعدد است در گوشه راست در سمت پایین تصویر

بهزاد و مکتب او

دوره اسلامی، کمال الدین بهزاد در سنه ۸۵۴ هـ متولد شد و در سن ۹۴۴ هـ (متوفی ۱۵۳۷ م) وی شاگرد کمال الدین در دربار سلطان حسین میرزا تا ۹۱۶ هـ میزیست و در سن ۹۲۸ هـ (۱۵۲۲ م) بموجب سفارش مدیر کتابخانه سلطنتی و انجمن فنون کتاب هنرمندان نایل آمد. (۱)

این تمام نقاشان گفته و مؤرخین دیگر نوشته اند که مکتب بهزاد را محو کرده و یک مو از قلم او به یاد نمانده. وی اولین نقاش دوره اسلامی است که ملزم به رعایت اصول علم و منزلت و منزلتی که داشته توانست و نقاشان پیشی گیرد. وی در رنگ آمیزی و مزج

دو نفر زن است که کتابی کوچک در دست دارند، و روی آن کتاب بخط بسیار ریز نوشته شده ((تصویر سلطان حسین میرزا، عمل بهزاد)) مینیاتور ناتمام دیگری که تقریباً مثنای کامل منظره قسمت چپ آن مینیاتور دولابی میباشد، در یک مجموعه شخصی است.

در مجموعه نفیس کورکیان در نیویارک صفحاتی هست که در یکی از آن تصویر مدوریست که پیر زن و جوانی را در دامنه کوهی در کنار رودی نشان میدهد و امضای بهزاد را دارا می باشد. (۳)

هکذا تصویر شاه طهماسب صفوی بالای درخت دارای امضای (پیرغلام بهزاد) که در موزه لور است، ازوست (۴)

کتاب هفت پیکر نظامی موزه متروپولیتن نیویارک که محتوی صور و اشکال بسیار بدیع و زیبا و مناظر ممتاز شکار و منسوب به بهزاد است. با دو تصویر نسخه خطی خمسه نظامی تحریر ۹۰۰ هـ منسوب به روح الله میرک نقاش استاد بهزاد از آثار برجسته مکتب هرات اند. (۵)

خصایص مهم سبک بهزاد:

کسانیکه در شناسایی آثار هنری ذوق و بهره یی دارند سبک هنر بهزاد را چنین ستوده اند، که وی اعجوبه روزگار و استاد عصر بود نه برای اینکه سبک جدیدی را در مینیاتور ایجاد نمود، بلکه بواسطه اینکه او صنعت را در کلیه جزئیات بمنتهی درجه کامل کرد. و در آثار هنری او خصایص ذیل نمایانست:

کتابی کوچک در دست دارند، و روی آن کتاب
ته شده ((تصویر سلطان حسین میرزا، عمل بهزاد))
ی که تقریباً مثالی کامل منظره قسمت چپ آن
مد، در یک مجموعه شخصی است.

س کورکیان در نیویارک صفحاتی هست که در یکی
ست که پیر زن و جوانی را در دامنه کوهی در کنار
امضای بهزاد را دارا می باشد. (۳)
اه طهماسب صفوی بالای درخت دارای امضای
در موزه لور است، ازوست (۴)

نظامی موزه متروپولیتن نیویارک که محتوی صور
و زیبا و مناظر ممتاز شکار و منسوب به بهزاد است. با
طی خمسه نظامی تحریر ۹۰۰ هـ منسوب به روح الله
هزاد از آثار برجسته مکتب هرات اند. (۵)

سبک بهزاد:

مابقی آثار هنری ذوق و بهره یی دارند سبک هنر بهزاد
که وی اعجوبه روزگار و استاد عصر بود نه برای اینکه
در مینیاتور ایجاد نمود، بلکه بواسطه اینکه او صنعت را
منتهی درجه کامل کرد. و در آثار هنری او خصایص

- ۱- درستی و دقت کامل در خطوط تصاویر.
 - ۲- نمایاندن وضع چهره و قیافه اشخاص بطور شگفت انگیز بوسیله ترکیب انواع رنگها.
 - ۳- حرکت و مفهوم بودن اشارات تصویر.
 - ۴- ظرافت در کشیدن درختها، گلها و دورنماها و نیز در نمایش اشعه خورشید و ابر.
 - ۵- شماره رنگهای گوناگون و توافق آنها با یکدیگر، برنگهای (سرد) مانند سرمه یی، سبز، فیروزه یی، زیتونی، زرد و قهوه یی بیشتر توجه شده، طلا و نقره نیز بکار رفته و اقسام مختلف قرمز استعمال شده. (۶)
- مثلاً تصاویر خمسه نظامی رنگ آمیزی سرد دارد، و آبی و خاکستری و سبز بیشتر بکار رفته است. یک مینیاتور بسیار زیبا و جالب توجهی که با همین صفات جنگ شتران را نشان میدهد و در تصرف دولت ایران است، میگویند بهزاد بعمر هفتاد سالگی آنرا ساخته است. همچنین مینیاتور های بوستان کتابخانه مصر، هنر بهزاد را در اوج کمال نشان میدهد. این تصاویر از لحاظ ترکیب و حقیقت بینی از شاهکار های هنر نقاشی محسوب می شوند و تصاویر اشخاص، حرکت و شخصیت خاص افراد را ظاهر میسازند.

نسخه خمسه نظامی مؤرخ (۸۴۶ هـ ۱۴۴۲ م) در موزه برتانیاست

و سه مینیاتور آن بعد از اتمام کتاب یعنی در سال (۸۹۸ هـ/۱۴۹۳م) کشیده شده که امضای بهزاد را دارد.

اما بوستان کتابخانه مصر دارای شش تصویر مؤرخ (۸۹۳ هـ/۱۴۸۸م) است که چهار از آن امضای بهزاد را دارد (۷)

این نسخه را سلطان علی خطاط در سال ۸۹۳ هـ برای سلطان حسین بایقرا در شهر هرات نوشت و بهزاد متعهد نقاشی آن بود، که در تصاویر آن استادی کاملی را در ترکیب رنگها و حفظ نسبت تقسیم اشخاص در صورت و دقت در کشیدن اشکال نباتی و مهندسی بسیار دقیق بخرچ داده است. در سه تصویر بخط بسیار باریک در جایی که دیدن آن خیلی مشکل است نام خود را نوشته، اما امضای چهارم در تصویر است که مباحثه وجدال عده بی از فقها را در مسجدی نمایش میدهد. درین مسجد طاق بسیار زیبایی هست که حاشیه آن دارای سیزده منطقه است و در منطقهء اخیر نام بهزاد و تاریخ ۸۹۴ هـ دیده می شود و ثابت می آید که کشیدن این تصویر کاملاً یکسال بعد از نوشته کتاب بوده است.

این تصویر تفوق و استادی بهزاد را در کشیدن صورت اسب و نمایش دادن زندگانی روستایی و مناظر طبیعی نشان میدهد و در اول کتاب تصویر سلطان حسین میرزا را در مجلس جشن و مهمانی کشیده است. (۸) همچنین شش مینیاتور در صفحه بی ظفر نامه تیموری در بالتیمور موجود است که در حاشیه آن تصاویر شاه جهانگیر آنرا کار بهزاد نوشته

بعد از اتمام کتاب یعنی در سال (۸۹۸ هـ/۱۴۹۳ م) بهزاد را دارد.

مصر دارای شش تصویر مؤرخ (۸۹۳ هـ/۱۴۸۸ م) مضای بهزاد را دارد (۷)

ن علی خطاط در سال ۸۹۳ هـ برای سلطان حسین نوشت و بهزاد متعهد نقاشی آن بود، که در تصاویر در ترکیب رنگها و حفظ نسبت تقسیم اشخاص در شیدن اشکال نباتی و مهندسی بسیار دقیق بخرچ داده بخط بسیار باریک در جایی که دیدن آن خیلی را نوشته، اما امضای چهارم در تصویر است که از فقها را در مسجدی نمایش میدهد. درین مسجد است که حاشیه آن دارای سیزده منطقه است و در و تاریخ ۸۹۴ هـ دیده می شود و ثابت می آید که ملأ یکسال بعد از نوشته کتاب بوده است.

استادی بهزاد را در کشیدن صورت اسپ و نمایش طبیعی و مناظر طبیعی نشان میدهد و در اول کتاب میرزا را در مجلس جشن و مهمانی کشیده است. (۸) تور در صفحه بی ظفر نامه تیموری در بالتیمور ماشیه آن تصاویر شاه جهانگیر آنرا کار بهزاد نوشته

است. این کتب توسط خطاط مشهور شیر علی در سال (۸۷۲ هـ/۱۴۶۷ م) برای سلطان حسین میرزا نوشته شده و سبک نقاشی بهزاد در آن بنظر می آید.

هکذا در موزه متروپولیتن یک صفحه نقاشی از دیوان جامی موجود است که درویشان را در حال رقص نشان میدهد. این نقاشی را میتوان به بهزاد نسبت داد زیرا این پرده شایسته قلم بهزاد است و همه خصایص کار های این استاد را دارد اگرچه عده زیاد هنرمندان هرات در عصر صفوی بدربار تبریز منتقل شدند، ولی بعضی از آنها در هرات مانده، آن سبک مخصوص را ادامه دادند، بسیاری از مینیاتور های عالی هرات پس از رفتن بهزاد ساخته شده است.

این هنرمندان به ریزه کاری که از خصایص سبک دوره تیموریست اهمیت زیاد میدادند. چنین توجه به جزئیات اشیاء مانند قالی، اطاق، لباس و تزئینات معماری، نقاشی های هرات را بزرگترین مینیاتور ها قرار میدهد و ثابت میکند که بهزاد تنها نقاش بزرگ هرات نبوده و رقبایی نیز داشته است. (۹)

یکی از آثار مهم مکتب هرات کتاب کلیله و دمنه مربوط موزه گلستان تهران است، که از حیث زیبایی تصاویر و مینیاتور بی نظیر است. و دیگر نسخه معراج نامه کتب خانه ملی پاریس است، که بسال (۸۴۰ هـ/۱۴۳۶ م) در هرات نوشته شده و نظیر آن دو تصویر مهم موزه متروپولیتن است، که متعلق بیک نسخه شاهنامه مکتب هرات بود و از آن جمله تصویر است که رستم را در حال گرفتن اسپ معروف خود رخس نشان

میدهد. لباس زیبا و رنگارنگ رستم و شخص همراه او بر زیبایی و ترکیب تصویر می افزاید. در حالیکه منظره طبیعی با درختان و دو قاز در حین پرواز سبک چینی را نمایندگی می کند. (۱۰)

قاسم علی هروی:

از نقاشان زبردست مکتب هرات در قرن نهم هجری (۱۵م) است که آثار فنی وی با استاد بهزاد شبیه است حتی که غالب مؤرخین فنون اسلامی آثارش را با کار بهزاد اشتباه کرده اند، نمونه های نقاشی قاسم علی در خمسه نظامی تحریر ۹۰۰ هـ ۱۴۹۴ م موزه بریتانیاست، که از ملاحظه آن تأثیر سبک بهزاد بکمال و تمام نمایان است. قاسم علی در موضوعاتی که میکشد و در اسلوب نقاشی وسایل تزئین تابلو های خود عموماً از بهزاد پیروی میکند. اما با وجود آنهم در بکار بردن رنگها و تمیز دادن سیما و چهره اشخاص و تعبیر از احساسات و عواطف پبایه استاد خود نمیرسد. (۱۱)

در کتابخانه بودلی آکسفورد کتاب خطی تحریر شده در ۸۹۰ هـ ۱۴۸۵ م منسوب به قاسم علی موجود است که بهترین و زیبا ترین آن تصویر جماعت صوفیه در باغچه سبز و خرمی می باشد. (۱۲)

همچنین قاسم علی تصویر بهزاد را که در کتب خانه پوهنتون استانبول است کشیده است و از لباسهای بهزاد مفهوم می شود که این تصویر را بعد از انتقال او از هرات به تبریز کشیده باشد. (۱۳)

دنبالهء مکتب بهزاد در فارس و هند و بخارا:

در اوایل سلطنت شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ هـ ۱۵۲۴ م) بهزاد زنده بود و آقا میرک از شاگردان بهزاد، از دوستان نزدیک شاه بود، یکی از شاگردان او که سلطان محمد نام داشت، بمقام نقاشی دربار رسید و پیشوای عده یی از نقاشان معروف بود. سلطان محمد بشاه جوان درس نقاشی میداد.

در سنه (۹۳۳ هـ) یک نسخهء شاهنامه برای شاه طهماسب تهیه گردید، که (۲۵۶) تصویر دارد، او اکنون در تصرف بارون ادوارد روتشیلد Baron Edouard Rothschild در پاریس است، که نقاشی های آنرا از سلطان محمد میدانند.

کار های این استاد از حیث تنوع، رنگ آمیزی، نقشهء ترکیب و نیز برای توجه مخصوص به ریزه کاری مشهور است، یکی از معروفترین مجموعهء نقاشی این مکتب نسخهء مصور خمسهء نظامی موزهء بریتانیاست. که تصاویر آن بوسیلهء نقاشان مشهور که نام اشخاص ذیل زیر مینیاتور های آن دیده می شود، ساخته شده: آقا میرک، سلطان محمد، میرزا علی، مولانا مظفر علی، میرسید علی.

علاوه بر تصاویر (۳۹۶) ورق این کتاب دارای حاشیهء تزئین شدهء بسیار عالی از طلا می باشد، که نقش آن اشکال حیوانات و گل و غیره است. در میان این گروه شاگردان مکتب بهزاد، میر سید علی مقامی بلند دارد، که در تجسم مناظر طبیعت و زندگی دهقانی ید طولی داشت. حیوانات را

خیلی شبیه کشیده، چادر را بطرز زیبایی تزئین کرده و دست هنرمند وی در اشکال گل و پرنده و اشیای دقیق دیگر مشهور است.

در اواخر سلطنت شاه طهماسب نقاشی بنام استاد محمدی شهرت یافت، که پسر و شاگرد سلطان محمد بود، وی سبک جدید و قشنگی را در نقاشی رنگی بوجود آورد، و نیز برای ظرافتی که در تصویر سازی انسان و حیوانات بکار برده مشهور است وی از نهال های برومند و آخرین مکتب بهزاد بود.

شعبه بی از مکتب هرات، در شیراز که مقرر سلطان ابراهیم بن شاهرخ بود رونق گرفت و مجموعه مصوری از بهترین اشعار فارسی در سال (۸۱۳ هـ ۱۴۱۰ م) نوشته شده که در موزه بریتانیا محفوظ است. مجموعه دیگر اشعار فارسی بتاریخ (۸۲۳ هـ ۱۴۲۰ م) نوشته شده در برلین هست و نسخه بی از شاهنامه از همین مکتب در بودلیان موجود است اما بقول پروفیسور کوهنل Kuhnel مینیاتور های این مکتب از لحاظ رنگ آمیزی سبکتر و کم رنگتر از مینیاتور های مکتب هرات است. (۱۴)

نفوذ بهزاد هم در هرات و هم در تبریز ادامه داشت، در هرات شاگردان بهزاد سبک استاد را تعقیب کردند، و خود بهزاد از سال (۹۱۶ هـ ۱۵۱۰ م) در تبریز بود و میتوان او را مؤسس مکتب نقاشی صفوی (در فارس) دانست. چندین نسخه خطی و مینیاتور مفرد از دوره شاه اسمعیل صفوی بمکتب هرات نسبت داده می شود از ان میانه سه مینیاتور در موزه متروپولیتن و دو در کتابخانه ملی پاریس موجود است که همه آنها از

را بطرز زیبایی تزئین کرده و دست هنرمند وی
اشیای دقیق دیگر مشهور است.

طهماسب نقاشی بنام استاد محمدی شهرت یافت،
محمد بود، وی سبک جدید و قشنگی را در
و نیز برای ظرافتی که در تصویر سازی انسان و
نور است وی از نهال های برومند و آخرین

ت، در شیراز که مقرر سلطان ابراهیم بن شاهرخ
وعهء مصوری از بهترین اشعار فارسی در سال

سده که در موزه بریتانیا محفوظ است. مجموعهء
ق (۸۲۳ هـ ۱۴۲۰ م) نوشته شده در برلین هست و
همین مکتب در بودلیان موجود است اما بقول
KUT. مینیاتور های این مکتب از لحاظ رنگ
بر از مینیاتور های مکتب هرات است. (۱۴)

ت و هم در تبریز ادامه داشت، در هرات شاگردان
ب کردند، و خود بهزاد از سال (۹۱۶ هـ ۱۵۱۰ م)
و را مؤسس مکتب نقاشی صفوی (در فارس)
طی و مینیاتور مفرد از دورهء شاه اسمعیل صفوی
ده می شود از آن میانه سه مینیاتور در موزه
خانه ملی پاریس موجود است که همهء آنها از

نسخهء خمسسهء امیر خسرو بلخی (ثم دهلوی) است که در سنه (۹۰۹ هـ
۱۵۰۳ م) در بلخ نوشته شده و کار آن خصایص اسلوب بهزاد را در بردارد
و اسلوب مکتب هرات در آغاز دورهء صفوی در دو مینیاتور و صفحهء
اول کتاب گوی و چوگان عرفی که در سال (۹۲۹ هـ ۱۵۲۳ م) بوسیلهء
خطاط مشهور علی حسینی در هرات نوشته شده بخوبی آشکار است، این
کتاب در پاریس موجود است.

یکی از نسخ خطی دیوان حافظ در پاریس است که پنج مینیاتور دارد،
و یکی از آن امضای شیخ زاده و دوی دیگر آن امضای سلطان محمد نور
را دارد، که پسر و شاگرد سلطان علی مشهدی است و تاریخ آن رجب
(۹۳۱ هـ ۱۵۲۵ م) است، این مکتب بهزاد را تعقیب میکرد.

اینک چند اثر دیگر مکتب بهزاد:

- ۱- دیوان میر علی شیرنواپی کتابخانهء پاریس تحریر (۹۳۲ هـ ۱۵۲۶ م)
در هرات.
- ۲- خمسسهء نظامی مؤرخ (۹۳۱ هـ ۱۵۲۵ م) موزهء متروپولیتن، که تصاویر این
هر دو کتابرا بنابر شباهت سبک به شیخ زاده شاگرد بهزاد نسبت میدهند.
- ۳- دیوان مؤرخ ۱۵۲۶ م ۹۳۲ هـ کار سلطان محمد نور.
- ۴- خمسسهء نظامی موزهء بریتانیا تحریر بین (۹۴۶ هـ ۹۵۰ هـ) برای شاه
طهماسب.

۵- نسخه مصور شاهنامه مؤرخ (۶۴۹ هـ - ۱۵۳۷ م) در پاریس که این هر دو کتاب را کار سلطان محمد دانسته اند. وهمین کتاب دارای دو مینیاتور بامضای دیگر شاگردان بهزاد است، میرک و مظفر علی و میر سید علی (۱۵). مکتب نقاشی هرات در عهد صفویان در پارس و بعد از همایون درهند ادامه پیدا کرد، و مطابق محیط های جدید خویش نشو و نما نمود، و کتابهای فاخر و نفیسی را نقاشی کردند، که از آنجمله رضا عباسی و آقارضا و شاگردان مکتب هنری ایشان مانند معین و یوسف و محمد قاسم (در پارس) و شاهقلی و ولیجان تبریزی در مملکت عثمانی سبک نقاشی تورکیه را بوجود آوردند.

مکتب نقاشی تورکیه هر چند منابع از مکاتب هنری اروپا نیز داشت، ولی هسته مرکزی آنرا همان ادامه مکتب هرات تشکیل میداد و تصاویر کار شاهقلی و ولی جان شاگرد سیاوش اکنون در موزه های معروف اروپا و امریکا به نظر می آیند که اشکال حوریان بالدار بهشتی در آن خیلی جالب است، و کتاب سلیمان نامه در همین سبک توسط فردوسی نام اهل بروسه برای سلطان بایزید دوم در حدود (۹۰۰ هـ) نوشته شد و نسخه دیگر آن محرره (۹۸۷ هـ) در مجموعه چستر بیتی لندن است، و نیز از نسخه بی نامی (۳۰) شکل در موزه متروپولیتن باقی مانده است که سبک هنری نقاشی تورکیه را نمایندگی میکند. (۱۶)

کمال تبریزی شاگرد میرزاعلی و شاه قلی از بقایای هنرمندان بهزاد نیز به ترکیه مسافرت کرد و در دربار سلطان سلیمان قانونی مقام بزرگی یافت (۱۷).

مآخذ:

- (۱) نقاشی اسلامی از آرنولد.
- (۲) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۱۲.
- (۳) سروی هنر ایران ج ۵ تابلوی ۸۸۵
- (۴) مینیاتور ایران از ساکسیان، تابلو ۷۵.
- (۵) صنایع ایران ۱۰۸.
- (۶) تاریخ صنایع ایران ۱۷۱.
- (۷) میراث ایران ۲۴۷.
- (۸) صنایع ایران ۱۱۳.
- (۹) تاریخ صنایع ایران ۱۹۴.
- (۱۰) راهنمای صنایع اسلامی ۵۶.
- (۱۱) صنایع ایران ۱۱۵.
- (۱۲) التصوير الاسلامی تابلوی ۲۰.
- (۱۳) صنایع ایران ۱۱۶.
- (۱۴) رهنمای صنایع ۵۵.
- (۱۵) رهنمای صنایع ۶۳.
- (۱۴) رهنمای صنایع ۳۶.
- (۱۷) صنایع اسلامی ۱۳۰.

مؤرخ (۶۴۹ هـ - ۱۵۳۷ م) در پاریس که این هر دو
 قلمد دانسته اند. و همین کتاب دارای دو مینیاتور
 زاد است، میرک و مظفر علی و میر سید علی (۱۵):
 در عهد صفویان در پارس و بعد از همایون در هند
 محیط های جدید خویش نشو و نما نمود، و
 را نقاشی کردند، که از آنجمله رضا عباسی و
 هنری ایشان مانند معین و یوسف و محمد قاسم
 ولیجان تبریزی در مملکت عثمانی سبک نقاشی

هر چند منابع از مکاتب هنری اروپا نیز داشت،
 همان ادامه مکتب هرات تشکیل میداد و تصاویر
 شاگرد سیاوش اکنون در موزه های معروف اروپا
 که اشکال حوریان بالدار بهشتی در آن خیلی
 سیمان نامه در همین سبک توسط فردوسی نام اهل
 ید دوم در حدود (۹۰۰ هـ) نوشته شد و نسخه
 ه) در مجموعه چستر بیٹی لندن است، و نیز از
 شکل در موزه متروپولیتن باقی مانده است که
 کیه را نمایندگی میکند. (۱۶)

میرزا علی و شاه قلی از بقایای هنرمندان بهزاد نیز به
 دربار سلطان سلیمان قانونی مقام بزرگی یافت (۱۷).

اثر مکتب هنری هرات بر فارس

هرات بمنزله مرکز تشعشع هنری آسیا مدتها باقی ماند و انوار هنر آن بر شرق و غرب و شمال تابید. دربار پارس و شاهان صفوی نیز مرجع هنر و ران گردید، و سبکی که ادامه مکتب هرات بود، در خطاطی و نقاشی و مذهبی و مصوری بنام "مکتب صفوی" در پارس پرورده شد. از هنروران معروف و بقایای مکتب هرات در پارس سلطان محمد نور پسر و شاگرد سلطان علی مشهدی و شاه محمود نیشابوری و میر علی (حدود ۱۰۰۸ هـ) و علی رضای عباسی و محمود مذهب و مولانا یاری و میرک مذهب و پسرش قوام الدین مسعود و مولانا حسن بغدادی و مولانا عبدالله شیرازی شیخ زاده و خواجه عبدالعزیز و مظهر علی و میرسید علی و محمدی و سید میر نقاش و شاه محمد و دوست محمد میباشند که در تحریر و تذهیب شهرتی داشته اند. (۱) و از آثار ایشان تذهیب خمسه نظامی ۹۴۹ هـ (موزه بریتانیا) و سرلوحه بوستان سعدی مؤرخ ۸۹۳ هـ ۱۴۸۸ م تذهیب

یاری (دارالکتب "المصريه) است که دران تصاویر مرغابی در حالت پرواز دیده می شود، ولی در روش مکتب صفوی همان صفا و لطافت رنگهای مکتب هرات موجود نیست و دقت در ترسیم و تزئین نیز از میان رفته است. (۲)

چون بعد از ضعف تیموریان هرات، استاد بهزاد به تبریز رفت، مکتب هنری پارس نیز بر پایه کار این هنرمند و شاگردانش استوار شد و سلطان محمد نور با این استاد و همراهانش دوست و معاصر بود ولی اسلوب فنی بهزاد در هرات و تبریز تفاوت بارزی نداشته و فرق میان آثار فنی او در هرات و تبریز خیلی ساده و مختصر است. اما شاگردان او که از هرات به پارس رفته اند، محیط جدید در سبک و اسلوب ایشان تأثیر نمایانی داشته است. شیخ زاده خراسانی شاگرد بهزاد با وی از هرات به تبریز رفت، یک اثر نقاشی در نسخه خطی دیوان حافظ در مجموعه نفیس کاتب محفوظ و مجلس وعظی است که در سیمای اشخاص تأثیر نطق واعظ کاملاً نمایان است و نقاش توانسته است با کمال مهارت تأثیرات نفسی آنها را ظاهر و مجسم سازد و این نقاش کاملاً از اسلوب بهزاد و شاگردانش بهره مند بوده است. (۳)

داکتر کوهنل عقیده دارد، که ده تصویر از چهارده تصویر که در نسخه خطی بسیار زیبایی از خمسه نظامی که در سال ۹۳۱ هـ ۱۵۲۵ م بخط خوش نویس بزرگ سلطان محمد نور نوشته شده و فعلاً در نیویارک در موزه متروپولیتن هست بقلم شیخ زاده کشیده شده است.

تک هنری هرات بر فارس

تشعشع هنری آسیا مدتها باقی ماند و انوار هنر آن تا تابید. دربار پارس و شاهان صفوی نیز مرجع هنر- که ادامه مکتب هرات بود، در خطاطی و نقاشی و 'مکتب صفوی' در پارس پرورده شد. از هنروان هرات در پارس سلطان محمد نور پسر و شاگرد شاه محمود نیشابوری و میر علی (حدود ۱۰۰۸ هـ) محمود مذهب و مولانا یاری و میرک مذهب و یزد و مولانا حسن بغدادی و مولانا عبدالله شیرازی تال عزیز و مظهر علی و میرسید علی و محمدی و محمد و دوست محمد میباشند که در تحریر و تذهیب و از آثار ایشان تذهیب خمسه نظامی ۹۴۹ هـ حه بستان سعدی مؤرخ ۸۹۳ هـ ۱۴۸۸ م تذهیب

دیگر از شاگردان بهزاد خواجه عبدالعزیز است و از جمله آثار فنی وی تصویر یکی از شهزاده گان صفوی در مرقعات کتابخانهٔ توپ قاپوسرای استانبول است، که خواجه عبدالعزیز دران خود را از شاگردان بهزاد شمرده است، آقا میرک نیز از نقاشان بزرگ و شاگردان بهزاد است که پنج تصویر او در نسخهٔ خطی خمسہ نظامی محررهٔ سال ۹۴۶ و ۹۴۹ هـ در موزه بریتانیا هست، از تمام رسوم و آثار و ابنیه و گلها و شاخه ها و درختها که درین تصاویر موجود است بر می آید که میرک از روش و اسلوب استاد خود بهزاد اقتباس کرده، و حتی دربرخی موارد بر استاد خود برتری داشته است.

گویند که سلطان محمد بعد از بهزاد ریاست مکتب صفوی را داشت، و تصاویر وی در کتاب خمسہ نظامی سابق الذکر دیده می شوند، اسلوب این شخص واضح می سازد که میرک و سلطان محمد هر دو در مکتب بهزاد این فن را فرا گرفتند و بعد از سلطان محمد شاگردانش شاه محمد و میر نقاش کارهای مکتب بهزاد را در پارس ادامه دادند و مظفر علی و میرزا علی و میر سید علی هم از شاگردان مکتب بهزاد اند، که سنن فنی او را زنده نگهداشته و امروز بسا از کارهای ایشان در موزیم های دنیا محفوظ اند. محمدی فرزند سلطان محمد نیز از برازندگان این مکتب است، که آثار جاویدانش تا کنون دیده می شود.

و بعد از ایشان آقا رضا و رضا عباسی و معین و حیدر و محمد قاسم و محمد یوسف و محمد علی و میر افضل و حبیب الله و ملک حسین

و شاه قاسم و غیره از مشاهیر مکتب هنری پارس اند، که از ستارگان آسمان بهزاد شمرده می شوند. (۴)

مآخذ:

- (۱) راهنمای صنایع ص ۸۰ و صنایع ایران ص ۷۷.
- (۲) صنایع ایران ص ۷۷.
- (۳) تابلوی ۳۶ تصویر فی الاسلام بحواله ص ۱۲۱ صنایع ایران.
- (۴) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۲۰.

مکتب هنری هند

در نقاشی های هند بعد از فتح بابر (۹۳۲ هـ) نفوذ بهزاد و مکتب بخارا بنظر می آید، چون همایون پسر بابر از پارس برگشت، وی دو نفر نقاشان پارس خواجه عبدالصمد شیرازی و میر سید علی را که در تبریز به ایشان آشنا شده بود، در سنه (۹۵۶ هـ ۱۵۴۹م) بکابل خواست، تا داستان امیر حمزه را مصور سازند و این دو نفر استاد که از بقایای مکتب بهزاد بودند، مکتب نقاشی مغولی هند را شالوده گذاشتند، و کتاب امیر حمزه اصلاً (۱۴۰۰) قطعه نقاشی داشت که از انجمله برخی در موزه های اروپا و امریکا دیده می شود.

اکبر که حامی هنر بود بوسیله این دو هنرمند مکتب نقاشی را در آگره کشود که تا صد نفر نقاش هندی دران هنر می آموختند، بقول ابو الفضل نسخ زیاد استادان نامی مانند بهزاد و میرک و سلطان محمد در کتابخانه، سلطنتی هند فراهم آمده بود، کتاب هفت پیکر نظامی بتاریخ (۹۸۸ هـ

۱۵۸۰م) برای اکبر درین هنر کده به پیروی کار های بهزاد نوشته شد و نسخهء اکبر نامه چستر بیٹی لندن که تصاویر آن بقلم هنرمندان هندی مانند دهرم داس، سنواله، شینکر، لعل، سورداس و نرسنگه و فرخ بیگ و موکند و گوردهن تهیه شده، و آمیزش سبک بهزاد را با مکتب هنری کشمیر و گجرات و پنجاب نمایش میدهد، از شاگردان این مکتب بساون و داسونتهه و منوهر نیز شهرت دارند، و کار ترجمهء فارسی مهابهارت از همین مکتب است.

در عصر بعد از اکبر منصور و مراد و منوهر و ابوالحسن پسر آقا رضا ملقب به نادر الزمان (نقاشان دربار جهانگیر) و فاخر الله و میر هاشم و هون هد و بیچتر و انوپ چهارتر (نقاشان عصر شاه جهان) از بقایای این مکتب اند. (۱)

مکتب هنری بخارا:

در اواخر دورهء اوج هنری مکتب هرات، هنگامیکه مکتب صفوی و هندی ازین منبع فیاض منشعب میشد، در بخارا نیز سبک مهم نقاشی از همین سرچشمه بوجود آمده بود.

در حدود (۹۴۲ هـ - ۱۵۳۵ م) نقاشان و خوشنویسان زیاد مکتب هرات در اثر انقلاب روزگار و سلطهء صفویان به بخارا و ماوراء النهر گریختند و در آنجا باسلوب مکتب هرات و مخصوصاً بسبک بهزاد کار خود را ادامه دادند، از آنجمله میر علی هراتی شاگرد زین الدین محمود از خطاطان مشهور هرات در سنه ۹۴۱ هـ - ۱۵۳۴ م بدربار بخارا رفت و راه و رسم خوش نویسی مکتب هرات را در آنجا ادامه داد، وی نسخهء یوسف و

مکتب هنری هند

بعد از فتح بابر (۹۳۲ هـ) نفوذ بهزاد و مکتب بخارا مایون پسر بابر از پارس برگشت، وی دو نفر نقاشان سمد شیرازی و میر سید علی را که در تبریز به ایشان سینه (۹۵۶ هـ - ۱۵۴۹ م) بکابل خواست، تا داستان امیر و این دو نفر استاد که از بقایای مکتب بهزاد بودند، هند را شالوده گذاشتند، و کتاب امیر حمزه اصلاً شت که از آنجمله برخی در موزه های اروپا و امریکا

بود بوسیلهء این دو هنرمند مکتب نقاشی را در آگره نقاش هندی دران هنر می آموختند، بقول ابو الفضل ی مانند بهزاد و میرک و سلطان محمد در کتابخانهء آمده بود، کتاب هفت پیکر نظامی بتاریخ (۹۸۸ هـ

زلیخای جامی را بتاریخ ۹۳۰ هـ ۱۵۲۳ م در هرات نوشت که در بخارا مصور و مذهب شد. (۲)

از هنرمندان مشهور مکتب بخارا محمود مذهب شاگرد میر علی خطاط معروف و پیرو اسلوب بهزاد است، وی در الفت دادن بین اشکال و پوشاندن زمینه تصاویر به ابنیه و کشیدن اشکال اشخاص و تقسیم آنها از روش بهزاد پیروی کرده و بعد از رفتن بهزاد به تبریز وی به بخارا رفته است.

از مشهورترین آثار هنری محمود مذهب تصاویریست در نسخه خطی تحفة الاحرار جامی که در بخارا نوشته شده، و نسخه دیگر همین کتاب که تصاویر آن بامضای محمود مذهب است در مجموعه هومبرگ کتابخانه ملی پاریس دیده می شود.

در یک مجموعه نقاشی کتابخانه حضرت رضا در مشهد مناظر بزمهای عشقی کار همین محمود مذهب و شاگردش عبدالله موجود است که کاملاً سبک نقاشی بخارا دارد.

دیگر نمونه کار محمود در مینیاتور دو صفحه بی مؤرخ (۹۰۳ هـ ۱۵۴۶ م) مخزن الاسرار نظامی کتابخانه ملی پاریس بامضای اوست. که اصل کتاب در سنه (۴۹۹ هـ ۱۵۳۷ م) در بخارا بدست میر علی نوشته شده است و امتیاز این تصویر در تناسب آن و تباین رنگهایش می باشد. (۳)

دیگر نمونه مکتب بخارا یوسف و زلیخای جامی است که میر علی حسینی در سال (۹۳۰ هـ ۱۵۲۳ م) نوشته، ولی مینیاتورهای آن در حدود (۹۴۷ هـ) ساخته شده، و نفوذ شدید مکتب بهزاد و هرات را میسرسانند، هکذا یک بوستان سعدی و دیگر فتوح الحرمین محیی لاری نیز دارای تصاویر بهمین سبک اند. (۴)

دیگر از ناموران هنرمندان مکتب بخارا شیخ زاده شاگرد بهزاد بود و مینیاتورهای وی در بخارا بسبک کارهای آن استاد بزرگ است و بسبب رنگهای روشن قرمز خیلی مشهور اند. (۵)

عبدالله مذهب نیز از مکتب هرات و به بخارا هجرت کرد، که تصاویرش خیلی کم و نادر بدست می آید، و شاید مشهورترین آنها تصویر جوانی باشد که در زیر درخت پرگلی مشغول ساز نواختن است، این پرده اکنون در موزه فنون نفیسه لیبزیک می باشد. (۶)

از ممیزات مکتب بخارا یکی اینست که پوشاک سر اشخاص عبارت از کلاه ترک دار بلند است که قسمت پائین آنرا عمامه بی پوشانیده است و دیگر صور اشخاص را بطور انفرادی و مستقل کشیده و هواخواهان نقاشی ازین تصاویر مرقعهای جداگانه را تشکیل میدادند. تزیین حواشی نسخه های خطی بانواع نقش و نگارهای دو رنگ طلایی و نقره بی بر روی یک زمینه رنگ آمیز نیز از ممیزات این مکتب است. (۷)

ماخذ:

- (۱) راهنمای صنایع اسلامی ص ۶۹ بعد و تاریخ صنایع ایران ص ۱۹۶ و صنایع ایران بعد از اسلام ص ۱۲۹.
- (۲) راهنمای صنایع ص ۸۰.
- (۳) صنایع ایران ۱۱۸.
- (۴) راهنمای صنایع اسلامی ۶۵.
- (۵) تاریخ صنایع اسلامی ۱۹۷.
- (۶) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۹۸.
- (۷) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۱۸.

بخ ۹۳۰ هـ ۱۵۲۳ م در هرات نوشت که در بخارا

مکتب بخارا محمود مذهب شاگرد میر علی خطاط بهزاد است، وی در الفت دادن بین اشکال و کشیدن اشکال اشخاص و تقسیم آنها از روش از رفتن بهزاد به تبریز وی به بخارا رفته است.

هنری محمود مذهب تصاویریست در نسخه خطی در بخارا نوشته شده، و نسخه دیگر همین کتاب می محمود مذهب است در مجموعه هومبرگ تهیه می شود.

نقاشی کتابخانه حضرت رضا در مشهد مناظرین محمود مذهب و شاگردش عبدالله موجود است بخارا دارد.

محمود در مینیاتور دو صفحه بی مؤرخ (۹۰۳ هـ نظامی کتابخانه ملی پاریس بامضای اوست. که ۴۰ هـ ۱۵۳۷ م) در بخارا بدست میر علی نوشته شده بر در تناسب آن و تباین رنگهایش می باشد. (۳) بخارا یوسف و زلیخای جامی است که میر علی (۱۵۲۳ م) نوشته، ولی مینیاتورهای آن در حدود فوذ شدید مکتب بهزاد و هرات را میسراند، هکذا دیگر فتوح الحرمین محیی لاری نیز دارای تصاویر

تذهیب

تذهیب کتب نیز از هنرهای خیلی مهم دوره اسلامی است و از نسخ قرآن عظیم که از قرن چهارم تا ششم هجری در دست است پدید می آید، که نسخه های کتاب آسمانی را با بهترین و دقیق ترین رسوم و اشکال تذهیب میکردند و مذهبان که این کتب خطی را بعد از تحریر بانواع آرایش های هنری می آراستند در مرتبه از خطاطان و مصوران کمتر نبودند.

مذهبان، حواشی و صفحات اول و آخر و سر فصلها و عناوین کتب و اوایل سوره ها و احزاب قرآنی را با ستارگان و رسوم هندسی و گل و بوته و شاخه و برگها و گاهی با اشکال انسان و پرندگان و آهو و مرغابی و غیره تزیین می نمودند و مانند هنرمندان دیگر نام خود را بران کتاب با صفت "مذهب" می نوشتند، و برای این کار مصارف گزافی با مواد قیمتی از قبیل طلا و نقره و لاجورد و کاغذ عالی و الوان گوناگون میشد.

و قراریکه هنر شناسان رأی داده اند درین تزینات تذهیبی مخلوطی از رسوم ساسانی و بیزانس و نبطی و کتب یهود و مسیحیان کلیسای شرقی اقتباس می شد. (۱)

تا کنون کتب خطی تذهیب شده قدیمتری را از دوره سلجوقی یافته اند، که طریقه جدول کشی در سطرهای نوشته شده و تزین حواشی خارج با اشکال و رسوم نباتی از ابتکارهای همین عصر می دانند. در دوره مغول مذهببان رنگهای طلایی و آبی و قرمز و سبز و پرتغالی را استعمال میکردند و رسوم و اشکال هندسی گوناگون را با ستاره های متنوع و اشکال مربع و مسدس و مثنی و دوایر مشبک و دیگر اشکال مملو از شاخ و بوته، نباتات و صور انسانی و حیوانی می نوشتند، و دران منتهای دقت و استادی را نشان میدادند.

از نسخه خطی شاهنامه بایسنقری موزه گلستان (۸۲۳ هـ) که دران صورت مذهب نیز کشیده شده پدیدار است، که مذهب نیز در جمله هنرمندان دیگر آبرو و مقامی در خور اهمیت داشته است. (۲) در دوره تیموریان هرات بر اهمیت رونق تذهیب افزوده شد، که همان نسخه شاهنامه بایسنقری این هنر را در نهایت اوج نشان میدهد و از مذهببان معروف اکادیمی هرات مولانا تاج محمد نقاش و مذهب بود که در علم جبل (جراثقال) و میکانیک و چینی سازی هم دستی داشت، و امیرخلیل و میرک نیز ازین جمله اند. (۳)

تذهیب

نرهای خیلی مهم دوره اسلامی است و از نسخ چهارم تا ششم هجری در دست است پدید می آید، سمانی را با بهترین و دقیق ترین رسوم و اشکال که این کتب خطی را بعد از تحریر بانواع آرایش مرتبه از خطاطان و مصوران کمتر نبودند.

محات اول و آخر و سر فصلها و عناوین کتب و آئی را با ستارگان و رسوم هندسی و گل و بوته با اشکال انسان و پرندگان و آهو و مرغابی و مانند هنرمندان دیگر نام خود را بران کتاب با -، و برای این کار مصارف گزافی با مواد قیمتی د و کاغذ عالی و الوان گوناگون میشد.

باری تذهیب از خصایص بسیار جالب مکتب هنری هراتست، که بعد از آن به پارس و هند و بخارا نیز سرایت کرده و تقلید شده است و در افغانستان بسا کتب خطی هرات بنظر می آیند که نمونه های خوب تذهیب و تزیین بشمار می آیند.

مآخذ:

- (۱) صنایع ایران بعد از اسلام ۷۴.
- (۲) صنایع ایران بعد از اسلام ۷۶.
- (۳) صنایع ایران بعد از اسلام ص ۷۶ بحواله مصوری در اسلام تألیف آرنولد ص ۲۳۹.

ایضاً بسیار جالب مکتب هنری هراتست، که بعد از
بخارا نیز سرایت کرده و تقلید شده است و در
هرات بنظر می آید که نمونه های خوب تذهیب

صحافی و جلد سازی

اما هنر صحافی و جلد سازی کتب نیز در قرن نهم هجری در هرات
باوج خود رسیده بود، از بهترین کار های صحافی و تجلید کتب که تا
کنون بوجود آورده شده صحافی های مدرسه هرات دوره تیموریست
که صنعت صحافی و چرم کاری بحد کمال رسید و دارای طرحهای عالی
است که دران نهایت دقت و مهارت بکار رفته است. قسمت خارجی
معمولاً دارای تزیینات فشاری است، در حالیکه در قسمت داخلی
طرحهای زیبای بریده شده، روی زمینه آبی رنگ قرار داده شده است، و
نمونه های خوب صحافی و تزیینات جلد کتاب در نسخه های مورخ
۸۴۱ هـ تا ۸۴۹ هـ کتابخانه توقاپو سرای استامبول، و خمسه نظامی مؤرخ
۸۵۰ هـ متروپولیتین موجود است.

۷۴ م

۷۶ م

ص ۷۶ بحواله مصوری در اسلام تألیف آرنولد ص ۲۳۹.

در قرن ۱۵ و ۱۶ صنعت کتب ممالک اسلامی را در ایتالیا و مخصوصاً در شهر وینز تقلید میکردند و بدین وسیله بسیاری از نمونه های شرقی در طرحهای اروپا راه یافت و صنعت جلد سازی و طلا کوبی بسبک اسلامی در تزئین جلد کتاب در اروپا شایع شد. (۱)

اگرچه درین دوره هرات در فن جلد سازی و صحافی گوی پیشی را ربوده، اما غیر ازان مراکز دیگری نیز وجود داشته که مهمتر از همه در خراسان و سمرقند و مرو و مشهد و بلخ و نیشاپور بود. (۲) و جلد سازان بر خلاف روش های قدیم که در تزئین بکار میرفت برای تزئین جلد ها مناظر طبیعی و اشکال حیوانات و پرندگان حقیقی و خرافی را در نهایت دقت و اتقان بکار بردند. این هنرمندان فشار با ابزار های ساده را برای ترسیم اشکال هندسی و شاخه و بوته در روی جلد ترک کردند، و قالب های فلزی را که هر کدام دارای شکل مستقلی بود بکار برده و با آنها بجلد فشار وارد آوردند، و در اثر این فشار اشکال نباتات و حیوانات را و شکل آدمی را بطور برجسته در روی جلد نمایان می ساختند. صحافان و جلد سازان مکتب هنری هرات از نیمهء قرن دهم هجری (۱۶ م) برای تزئین جلدها اشکال و رسم های لاکمی را نیز بکار بردند، و قدیمترین جلد های این نوع کتابها در سال ۹۲۱ هـ ۱۵۲۵ م است که از حیث رنگ آمیزی خیلی زیبا و ممتاز است و رنگهای مشکی و طلایی زیادتر بکار رفته است. نباید فراموش کرد که مکتب هرات در فن جلد سازی تأثیر زیادی نسبت بسایر مراکز فنی داشته و رفت و آمد هنر و ران بدان شهر فراوان بود

بممالک اسلامی را در ایتالیا و مخصوصاً بدین وسیله بسیاری از نمونه های شرقی در صنعت جلد سازی و طلا کوبی بسبک اسلامی پویا شایع شد. (۱)

ت در فن جلد سازی و صحافی گوی پیشی را دیگری نیز وجود داشته که مهمتر از همه در مشهد و بلخ و نیشاپور بود. (۲) و جلد سازان بر که در تزئین بکار میرفت برای تزئین جلد ها نباتات و پرندگان حقیقی و خرافی را در نهایت این هنرمندان فشار با ابزار های ساده را برای نخه و بوته در روی جلد ترک کردند، و قالب دارای شکل مستقلی بود بکار برده و با آنها در اثر این فشار اشکال نباتات و حیوانات را ته در روی جلد نمایان می ساختند. صحافان و برات از نیمه قرن دهم هجری (۱۶ م) برای های لاکمی را نیز بکار بردند، و قدیمترین جلد ۹۲۱ هـ ۱۵۲۵ م است که از حیث رنگ آمیزی گهای مشکی و طلایی زیادتر بکار رفته است. کتب هرات در فن جلد سازی تأثیر زیادی رفت و آمد هنر و ران بدان شهر فراوان بود

و اکادیمی هنری هرات که در سال ۹۱۳ هـ ۱۵۰۷ م با هجوم شیانی خان منحل شد، اغلب هنروران آن بمراکز دیگر فنی در هند و پارس و دربار عثمانی هجرت کردند.

باید دانست که این جلد های هزلها، که در دقت و نکات فنی و صنعتی یکی از معجزات فن آن بود تنها منظور از ساختن آنها این نبود، که بمنزله غلافی باشد که کتاب را بدان حفظ کنند، بلکه خود آنها جزئی از اجزاء گرانبهای کتاب بشمار میرفتند، و کتاب با وقایه خود در محفظه یی از دیبا یا مخمل یا صندوق چوبی حفظ می شد. (۳)

اشکال نباتی:

دوره غزنوی بطریف کاری در تزئینات نباتی که از شاخه و ساقه های ممتد تشکیل می شد امتیاز خاصی داشته و با توازن و تناسب بسیار دقیقی که نمونه کاملی از ابداع و قدرت نمایی در کشیدن اشکال ((ارابسک)) است آنها را نمایش داده است.

در اشکال نباتی و گلها و درخت هایی که از مکتب هرات در تصاویر یا بر روی خزف و یا منسوجات و پارچه های گرانبهایی که در قرن دهم و یازدهم هجری ۱۶-۱۷ م می بینیم، ظرافت عناصر نباتی پدیدار است.

در حقیقت اشکال نباتی که در تزئین صنایع بکار میرفت از قرن ۸ هجری (۱۴ م) بسوی تکامل رفته و نمونه صادقی از نباتات طبیعی و حقیقی شده و هنرمندان درین میدان به منتهی درجه موفقیت رسیده اند و شاید بر اثر تأثیر فنون و روشهای چینی بود، که بوسیله مغولها آمده است. (۴)

گرانبها ترین کتب دنیا:

در موزه گلستان تهران نسخه یی از شاهنامه بخط جعفر بایسنقری موجود است که در سال ۸۲۳ هـ ۱۴۲۹ م نوشته شده این نسخه از شاهکار های نقاشی این مکتب است، که ۲۲ مینیاتور این کتاب، نقاشی هرات را در اوج ترقی خود نشان میدهد.

از صفات ممتاز این تصاویر رنگ آمیزی درخشان و دقت در جزئیات است، که مختص نقاشی آن عصر میباشد. (۵)

از لحاظ تذهیب و تزیین نیز این نسخه عالیترین کار مکتب هرات است که تذهیب کاریهای رنگ آن توسط هنرمندان درباری انجام یافته و طرحهای گل و گیاه این تذهیب نمونه دقت در جزئیات و شفافیت رنگ است، بطوریکه نظیر آن فقط در میناتور کاری دیده می شود. (۶)

معاون آثار عتیقه مشرق زمین در موزه بریتانیا پروفیسور د، برت درباره این کتاب نفیس می نویسد:

بایسنقر میرزا پسر شاهرخ (متوفی ۸۴۶ هـ) هنرمندان را از سراسر امپراطوری تیموریان در دارالعلم هرات گرد آورد، درین شهر بود که کاغذ ساز، خطاط، تذهیب کار، صحاف، رنگ ساز، نقاش، شیرازه کار در تهیه کتابهایی که میتوان بعضی از آنها را از عالیترین کتابهایی که در تاریخ بشر ساخته شده دانست همکاری میکردند و شاهنامه بایسنقری (۸۲۳ هـ) را بوجود آوردند. که خطاطی و تذهیب و نقاشی فقط جزئی از تمام کتابست. صحافان نیز از نظر هنر از همکاران هنرمند خود عقب نماندند و نفیس ترین جلدی برای آن ساخته اند. و حتی نمونه های این

نسخه یی از شاهنامه بخط جعفر بایسنقری ۸ هـ ۱۴۲۹ م نوشته شده این نسخه از شاهکار -، که ۲۲ مینیاتور این کتاب، نقاشی هرات را مد.

یر رنگ آمیزی درخشان و دقت در جزئیات عصر میباشد. (۵)

یز این نسخه عالیترین کار مکتب هرات است آن توسط هنرمندان درباری انجام یافته و عیب نمونه دقت در جزئیات و شفافیت رنگ در میناتور کاری دیده می شود. (۶)

زمین در موزه بریتانیا پروفیسور د، برت نویسد:

(متوفی ۸۴۶ هـ) هنرمندان را از سراسر قلم هرات گرد آورد، درین شهر بود که تار، صحاف، رنگ ساز، نقاش، شیرازه کار بعضی از آنها را از عالیترین کتابهایی که در همکاری میکردند و شاهنامه بایسنقری ه خطاطی و تذهیب و نقاشی فقط جزئی از نظر هنر از همکاران هنرمند خود عقب برای آن ساخته اند. و حتی نمونه های این

تجلید خراسانی مورد تقلید جلد سازان اروپا گردید، و این کتاب معرف عالیترین مرحله کمال کتاب سازیست. (۷)

گویند صورت بایسنقر میرزا که این نسخه باو تقدیم شده است با صورت نویسنده و مذهب و نقاشی که دران کار کرده اند درین نسخه موجود است. (۸)

امتیاز این نسخه در اتقان تصاویر و ابداع در تزیین و استادی در رسم حوادث است بطوریکه روحانیت مخصوصی بآنها بخشیده است و مخصوصاً در تماسک اجزای رسم و وحدت تالیف بین آنها و تنوع در مناظر و خالی بودن از مکررات ملال آور مکتب های تبریز و شیراز و مراعات کمال دقت در کشیدن اسپها و بوته ها و گلها و پرندگان و زینت لباسهاست و توجه خاصی در رسم تفصیل داستانها و نمایاندن انواع تحف از قبیل قالی و ظروف و غیره شده است. (۹)

مآخذ:

- (۱) راهنمای صنایع اسلامی ۸۹
- (۲) صنایع ایران ۱۶۴.
- (۳) صنایع ایران ۱۴۶ بیعد.
- (۴) صنایع ایران بعد از اسلام ۲۸.
- (۵) راهنمای صنایع اسلامی ۵۵.
- (۶) راهنمای صنایع اسلامی ۸۳.
- (۷) میراث ایران ص ۲۴۵.
- (۸) صنایع ایران بعد از اسلام ص ۷۶.
- (۹) صنایع ایران بحواله سروی آرت ایران ۳: ۱۸۵۱.

فلز کاری و ترصیع

صنعت ترصیع اشیای برونزی باساس فلزات از قبیل مس و نقره از عصر سلجوقی در خراسان وجود داشته و بالاخره ترصیع کاری ارزش هنری پیدا کرد و اسلوب ابتکاری هرات و نیشاپور و سیستان و مرو که مراکز مهم فلزکاری بودند بتدریج به سایر ممالک راه یافت. (۱)

فلزکاری مانند دوره قبل سلجوقی از برنز یا مفرغ بوده و ترصیع و خاتم کاری از عوامل تزینی عمده آن بود، که اینک چند نمونه کار هرات و خراسان موجود است:

۱- در موزه هرمیتاژ شوروی قدیمی ترین نمونه ترصیع کاری یک قلمدان برنجی دارای ترصیع مس و نقره بصورت‌های کوچک و پرندگان کوچک و شاخ و برگ موجود است که مربوط بسال (۵۴۳ هـ ۱۱۴۸ م) در خراسان باشد. (۲)

۲- مهمترین اثری فلز کاری مرصع هرات بی شک سطل مدور دسته دار موزه هرمیتاژ است که بموجب کتیبه آن در سال (۵۵۸ هـ ۱۱۶۳ م) در شهر هرات بوسیله محمد بن الوحید ریخته گر و مسعود بن احمد قلم زن برای یکی از تجار شهر زنجان ساخته شده است. و ازین معلوم است که این صنعت دران زمان در هرات سازمان مفصلی داشته و به شهر های دیگر صادر میشد، نقشه های این ظرف عالی از نقره و مس درست شده و پنج ردیف است، دو تای آن مجالس شادی دربار و شکار است، و بقیه مزین با خطوط کوفی و نسخ میباشد و قسمت عمومی خط نسخ، تبدیل بدن و سرو کله آدمک هایی گردیده که بسیار دلپذیر و دقیق اند (۳) و اشکال جنگجویان و شکار چیان و مناظر جشن مردان را در حالت نوشیدن و بازی نشان میدهند و صور رقاصه ها و نوازندگان نیز بران دیده می شود و کتیبه های کوفی و نسخ آن که بشکل بدن انسانی آورده شده ابتکار خراسان است و ازین ظرف مصنوع هرات میتوان یک مکتب جداگانه ترصیع برنز و مس را تشخیص داد. (۴)

۳- ابریقی که در مجموعه مورگان بود، نمونه خوبی ازین گروه خراسانی است. بدنه آن دارای تزیینات متشابه است که در انتهای آنها سر حیوانات مختلف نقش و به دوازده قسمت تقسیم شده، که روی آن اشکال بروج فلکی و کواکب و سیارات کشیده شده است. تزیین گردنه کتیبه کوفی و نسخ است که عیناً مانند آثار دیگر هرات، انتهای حروف بشکل سر انسان در آورده شده است و میتوان گفت که این ظرف در خراسان ساخته شده است. (۵)

فلز کاری و ترصیع

سرویزی باساس فلزات از قبیل مس و نقره از وجود داشته و بالاخره ترصیع کاری ارزش ستکاری هرات و نیشاپور و سیستان و مرو که ترصیع به سایر ممالک راه یافت. (۱)

قبل سلجوقی از برنز یا مفرغ بوده و ترصیع و مس عمده آن بود، که اینک چند نمونه کار

ی قدیمی ترین نمونه ترصیع کاری یک ترصیع مس و نقره بصورت های کوچک شاخ و برگ موجود است که مربوط بسال

اسان باشد. (۲)

۴- ابریقی در موزه تفلیس موجود است که با نقره و مس ترصیع شده و تاریخ آن (۵۷۷ هـ - ۱۱۸۱ م) است، که امضای سازنده آن محمود بن محمد هراتی بران نوشته است. (۶) بدنه این ظرف شیار شیار است و بر روی شانه آن بروج دوازده گانه نقش شده و خصایص کاملاً خراسانی را دارد. (۷)

۵- دیگر از آثار هنری خراسان که خصایص صنعت هرات را دارد، قلمدانی است در گالری فریر در واشنگتون که سازنده آن شاهی نامداشت و در (۶۰۷ هـ - ۱۲۱۰ م) برای مجدالملک مظفر وزیر اعظم خراسان در مرو ساخته شده و اسلوب تزئین و نوع کتابت کوفی و نسخ همانست که بشکل سر انسان و حیوان کشیده شده و در فلز کاریهای هرات مروج بوده است، و بهمین سبک یک جام برنزی در موزه متروپولیتن نیز موجود است. (۸)

مآخذ:

(۱) راهنمای صنایع، ص ۱۴۱.

(۲) میراث، ص ۲۲۲.

(۳) میراث، ص ۲۲۲.

(۴) راهنمای صنایع، ص ۱۴۲.

(۵) راهنمای صنایع، ۱۴۲.

(۶) راهنمای صنایع ص ۱۴۲.

(۷) میراث، ص ۲۲۳

(۸) راهنما، ص ۱۴۴.

موجود است که با نقره و مس ترصیح شده و
م (۱۱۰) است، که امضای سازنده آن محمود بن
شاه است. (۶) بدنه این ظرف شیار شیار است و
ج دوازده گانه نقش شده و خصایص کاملاً

خراسان که خصایص صنعت هرات را دارد،
ی فریر در واشنگتون که سازنده آن شاهی
۱۲۱۰ م) برای مجدالملک مظفر وزیر اعظم
شده و اسلوب تزیین و نوع کتابت کوفی و
سر انسان و حیوان کشیده شده و در فلز
ده است، و بهمین سبک یک جام برنزی در
نود است. (۸)

منسوجات

باید گفت که دوره سلجوقی ارتقای صنعت بافندگی بوده است که
دو عامل مؤثر داشت یکی تعالیمی که بواسطه سلجوقیان از سبکهای
چینی فرا گرفته اند و بر اثر آن ترسیمات دقیق نباتات و پرندگان و
حیوانات در اشکال تزیینی آنها تجلی نمود، دوم اسالیب اسلامی که در
بلاد بین النهرین متداول بود، و فروع بوته های نباتی و حواشی را بجای
موضوعات تزیینی ساسانی بکار برده اند. (۱)

از مراکز نساجی قبل از دوره مغول خصوصاً هرات شهرت داشت و
مغولیان در هرات و نیشاپور به ارباب صنایع اذیت کمتر رسانیدند، در یکی
از موزه های شهروین مجموعه یی از منسوجات ابریشمی دوره مغول
موجود است که جزو کفن روولف چهارم دوک اتریش بود و بران
اشکال پسرندگان بزرگی است که بر زمینه اطلسی بافته شده و روی
یکی از آنها کتابتی با خط نسخ درشت بنام سلطان ابو سعد (۷۱۷/۷۳۶ هـ)
موجود است. (۲)

شهر های خراسان از قبیل سمرقند و هرات در عصر تیموریان مراکز مهم بافندگی بود، که امراء و شاهان می پوشیدند، و بهترین پرده ها و فرشها و بالش و متکاها را ازان درست میکردند، و سبک تزینات دوره تیموری در کثرت اشکال نباتات متصل با طلا و نقره و اشکال پرندگان مطابق روش چینی بر پارچه های مخملی بسیار عالی است، که یکی از جهانگردان ایتالیا آنرا دیده بود. چون بین دربار های تیموریان و شاهان چین روابط سیاسی و اقتصادی بر قرار بود، بنابراین اثر صنایع چینی در هنر های زیبای خراسان بخوبی دیده می شود، و حتی در (۸۲۳ هـ و ۸۲۶ هـ) چون هیأت اعزامی دربار هرات به چین رفت، غیاث الدین نقاش مشاهدات خود را که متضمن معلومات زیادی در باره ابنیه و البسه چین بود، گزارش داده است. و بنابراین دوره تیموریان در تکمیل موضوعات تزینی و نقش و طرح پارچه ها، لطافت و زیبایی خاصی یافته و ازان حالت ابتدایی و خشونتگی که در پارچه های عهد ساسانی و صدر اسلام دیده میشود رهایی یافته است. (۳)

همانطوریکه هرات پرورشگاه صنایع نفیس در دوره تیموری بود، در عصر صفویان نیز یکی از مراکز مهم بافندگی و نساجی بشمار میرفت. و روش های نقاشی مکتب بهزاد چه در خراسان و چه در پارس در تزین منسوجات نیز بکار افتاد و بر بسا پارچه های بافته عهد صفوی که اکنون نمونه های آن باقی مانده، در نقاشی و تصاویر بافندگی آن اثر صنعت سلطان محمد و محمدی و رضا عباسی از بقایای پیروان مکتب بهزاد دیده میشود. (۴)

مآخذ:

- (۱) صنایع ایران ۲۳۱.
- (۲) سروی آرت ایران ج ۶ تابلوی ۱۰۰۳.
- (۳) صنایع ایران ۲۴۰.
- (۴) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۲۴۳.

یل سمرقند و هرات در عصر تیموریان مراکز مهم ن می پوشیدند، و بهترین پرده ها و فرشها و بالش و ند، و سبک تزئینات دوره تیموری در کثرت نقره و اشکال پرندگان مطابق روش چینی بر پارچه ، که یکی از جهانگردان ایتالیا آنرا دیده بود. چون اهان چین روابط سیاسی و اقتصادی برقرار بود، های زیبای خراسان بخوبی دیده می شود، و حتی هیأت اعزامی دربار هرات به چین رفت، غیث را که متضمن معلومات زیادی در باره ابنیه و ده است. و بنابراین دوره تیموریان در تکمیل روح پارچه ها، لطافت و زیبایی خاصی یافته و ازان در پارچه های عهد ساسانی و صدر اسلام دیده

شگاه صنایع نفیس در دوره تیموری بود، در مهم بافندگی و نساجی بشمار میرفت. و روش خراسان و چه در پارس در تزئین منسوجات نیز یافته عهد صفوی که اکنون نمونه های آن باقی گگی آن اثر صنعت سلطان محمد و محمدی و تب بهزاد دیده میشود. (۴)

قالین بافی

قالین بافی از هنرهای قدیم خراسان بود. ا.س. ادواردز که عمری را در قالین شناسی مشرق زمین بسر برده در فصل خاص قالی کتاب میراث ایران، دلایلی را می آورد که هنر قالی بافی قبل از نفوذ عناصر تورکی و هجوم اقوام مغول در سرتاسر خراسان رواج داشت و اکثر جغرافیا نویسان عرب و عجم از صنعت قالی بافی در خراسان از زمان قدیم و اوایل دوره اسلامی یاد کرده اند. (۱)

و بقول ی. گدار. نمونه هایی از قالین عهد ساسانی نیز در دست است. (۲)
م. س. دیماندر در باره قالین بافی خراسان معلومات مغتنمی می دهد و گوید:
مارکوپولو که در حدود (۶۶۹ هـ ۱۲۷۰ م) به آسیای صغیر مسافرت کرد. میگوید که زیباترین و عالیترین قالینهای دنیا بوسیله هنرمندان یونانی و ارمنی در بلاد ترکمن بافته می شود. (۳) و ازین آشکار است که

در بلاد شمالی افغانستان و خراسان صنعت قالی بافی در کمال عروج وجود داشت. دیمانند گوید:

از قالیهای مشهور و جالب توجه که نقش گل و برگ نخلی و شکل ابر بسبک چینی دارند این نوع قالی که نمونه های زیادی ازان در موزه ها و مجموعه های خصوصی یافته میشود. اشتباه باصفهان نسبت داده میشوند. در صورتیکه در حقیقت متعلق به هرات و مشرق ایران است. در کارهای نقاشان هلندی و اسپانیایی اواخر قرن ۱۶ و ۱۷ تصویر اینگونه قالیها دیده می شود. اولریوس که با سفیر دوک هلشتین - گوتورپ در حوالی سال ۱۶۳۷ م (۱۰۴۷ هـ) بایران آمده، مینویسد که زیباترین قالیهای ایران در هرات خراسان بافته میشود. شهرت خراسان برای نفیس بودن قالیهایش از طرف دیگران نیز تائید گردیده و در قرن ۱۶ و ۱۷ هرات مرکز عمده قالی بافی خراسان بود. (۴)

در قالیهای قرن ۱۷ نوع هرات، نقش همان نقش قرن ۱۶ است ولی قدری درشت تر شده و در عصر صفویان هم هرات یکی از مراکز عمده این فن بود و حتی در مینیاتور های کتب مضمون دوره تیموریان اشکال این گونه قالیها به نظر می آید و از خصایص آن برگهای بزرگ دنداندار است و حتی در هندهم ازین نوع قالی اقتباس کرده بودند. (۵) قدیم ترین نمونه قالی بسیار زیبای خراسانی در موزه پولدی پدزولی شهر میلان از قرن دهم هجری (۱۶ م) موجود است که آنرا یکنفر خراسانی ساکن جام ساخته و این بیت بران نوشته است:

شد از سعی غسیات الدین جامی بدین خوبی تمام این کار نامی (۶) در قرنهای ۹ تا ۱۱ هـ نقاشان به کشیدن تصاویر کتب خطی اکتفا نکرده و نفوذ خود را در سایر انواع فنون مانند تزیین عمارات و مصنوعات چینی و پارچه ها و قالیها نیز بکار برده اند مهمترین نقاشانی که در نقشه کشی قالی کار کرده اند: بهزاد و سلطان محمد و سید علی اند. (۷) دکتور زکی محمد حسن مصری راجع به قدمت صنعت قالی بافی افغانستان گوید:

اگرچه تاریخ قالی های معروف راجع به دوره سلجوقی است ولی از مصادر ادبی و تاریخی بر می آید در قرن پنجم هجری (۱۱ م) قالیهایی نفیسی در دربار سلاطین غزنوی بوده است (۸) و تصاویر فرشهایی که در مشرق ایران خصوصاً آنهایی که منسوب به هرات اند در تابلوهای فنی اروپائیان در اواخر قرن دهم هجری (۱۶ م) زیاد کشیده شده است. (۹) در انواع قالی، قسم گلدار هراتی در خراسان شهرت داشت که منسوب به قرن ۱۰ و ۱۱ هـ (۱۶ و ۱۷ م) است نقشه این قالیهها عبارت از سبزه و گیاه و بادزنهای نخل بوده و زمینه قالی های هرات لاکمی رنگ و حاشیه آن سبز میباشد که در قرن ۱۱ هـ بادزنهای نخل آن بزرگتر از سابق بوده و در اصل نقشه برگهای بلند و مقوسی هست و ازین پدید می آید که خراسان و هرات از زمان غزنویان یکی از مراکز عمده فنی بود. (۱۰)

یک عده سجاده به دوره صفوی نسبت داده میشود نقشه اصلی آنها آیات قرآن است که بعضی بخط نسخ و برخی بخط کوفی نوشته شده و نکات دیگر نقشه و رنگ آمیزی آنها شبیه به قالی بافت تبریز است ولی متخصصین در محل بافت آنها موافقت ندارند و عده یی آنها بافت هرات میدانند.

از قالیهایی که به هرات نسبت داده شده عده ایست که نقشه آنها گل و مویچ پیچ میباشد که در اطراف گل عباسی بزرگ کشیده و آن

عبارتست از طرح گلی که دور آن حلقه یی مدور یا بیضوی شکل از برگ دارد. در قالی های هرات نقش ماهی نیز دیده میشود که به برگ بلندی شباهت دارد. یک قالی این سبک در خزینهء امام رضا در مشهد هست که به حدود (۹۰۰ هـ) تعلق دارد.

قالیهای هرات در طرح قالیهای هندی نفوذ مهمی داشته اولیاریوس المانی که در زمان شاه عباس بایران آمده مینویسد که بهترین قالیها در هرات بافته میشود یک قسم قالیها را در اروپا و امریکا بنام قالی گلدانی میخوانند، زیرا نقشهء بعضی از آنها گلدانیست که ازان شاخ و برگ بیرون می آید. گلهای عباسی و اشکال گل و برگ که در این نوع قالی دیده میشود شبیه به نقشهء قالیهای هرات است. (۱۱)

مآخذ:

- (۱) A. C. Edwards
- (۲) میراث ایران ص ۳۶۰ به بعد.
- (۳) تمدن ایرانی ص ۲۹۱
- (۴) راهنمای صنایع اسلامی ۲۵۸.
- (۵) راهنمای صنایع ص ۲۵۷ به بعد.
- (۶) سروی آف پرشن آرت ج ۲ ص ۲۴۳۷ و کتاب قدیم ج ۲ تابلوی ۲۲.
- (۷) صنایع ایران بعد از اسلام ص ۱۵۷.
- (۸) همین کتاب ص ۱۵۹.
- (۹) همین کتاب ص ۱۶۳.
- (۱۰) همین کتاب ص ۱۶۹.
- (۱۱) تاریخ صنایع ص ۱۹۲ به بعد.

ابنیه

امیر تیمور معماران، نقاشان و صنعتگران را از نواحی مختلف گرد آورد و به پایتخت خود سمرقند برد، این عده در ساختمان و طرح بناء سبکی ایجاد نمودند که با وجود اینکه صنعتگران آن از نواحی مختلف آمده بودند آن سبک کاملاً خراسانی بود. ساختمانهای سمرقند همه عظیم و دارای تزیین و آرایش عالی بودند.

مسجد گوهر شاد مشهد که ازین ابنیه است به نظر بعضی از باستان شناسان در زمرهء دوازده عالیتیرین بنای تاریخی دنیا بشمار میرود که در حدود ۸۲۱ هـ بنای آن تمام شد و به دوازده سال در تحت نظر قوام الدین معمار معروف انجام یافت.

سر در این مسجد یک طاق عظیم کاشی کاری میباشد که در طرفین آن مناره است و بجای اینکه مطابق معمول روی دیوار بنا شده باشند تا سطح زمین امتداد یافته اند. زیبایی کاشی کاری آن حیرت آور است و سر

در عظیم را کتیبه مفصلی از کاشی احاطه نموده که دران بایستقر محاسن و تقوای مادر خود گوهر شاد را تمجید میکند.

داخل ایوان کاملاً سفید و ساده است و کتیبه هایی زیر گنبد عظیم دارد. این مسجد بسببک چهار ایوانی ساخته شده در کاشی کاری ایوان رو بقبله برنگ قرمز بیشتر اهمیت داده شده و در ایوان های طرفین رنگ فیروزه، آبی و سبز بیشتر دیده میشود، همه دارای موزائیک های کاشی است که از حیث ترکیب قابل توجه است. گنبد پیازی شکل و رنگ آن سبز تیره است و کتیبه بزرگ سیاه دارد و این مسجد یکی از شاهکار های معماری دنیاست. (۱)

در قریه طیبات نزد یک مرز فعلی ایران و افغان ساختمان مزار مولانا شیخ زین الدین است که روی سر در آن چند کتیبه است که دارای خصایص عصر تیموریان بوده و در داخل آن کتیبه بزرگی است با کاشی سفید روی زمینه آبی که اسم شاهرخ بهادر با کاشی زرد رنگ دیده میشود. در تربت شیخ جام بین مشهد و سرحد افغان بعضی ابنیه مقبره ها متعلق بزمان تیمور است و مقبره گوهر شاد در هرات بنایست مربع شکل که گنبد آن سه مرتبه دارد.

گنبد اولی برای تزئین زیر گنبد به کار رفته و گنبد وسطی برای نگهداری و گنبد خارجی که به دنده های مدور متصل شده با کاشی آبی رنگ پوشیده شده است.

این مقبره سابقاً به بنای دیگری وصل بوده است و هفت مناره بسیار بزرگ بلند در نزدیکی آن قرار دارد. دو تاق آن به مصلاهی معروف تعلق داشته که گوهر شاد آنرا ساخته یکی به بنایی که وصل مقبره بوده و چهار مناره بزرگ که با تکه های بزرگ سنگ مرمر و کتیبه ها و کاشی کاریهای دارای طرحهای مکرر زینت یافته و نشان میدهد که معماری و تزیین عصر تیموریان تا چه درجه زیبایی و عظمت داشته است.

در دوره سلجوقی به ساختمان و آجر کاری بیشتر اهمیت داده میشود ولی در عصر مغول و تیموریان در تزیین بیشتر دقت شده و رنگهای گوناگون در بنا های عظیمی که با کاشی های الوانی که در تمام تاریخ دنیا نظیر ندارد، ظاهر میگردد.

مأخذ:

(۱) تاریخ صنایع ص ۱۸۴.

نجاری

یک قسمت در های چوبی که راجع به قرن پنجم هجری (۱۱ م) میشود در مقبرهء سلطان محمود غزنوی بود که اکنون در هندوستان در قلعهء آگره میباشد این در ها منبت کاری است و ازین حیث خیلی شبیه است به آثار چوبی که در ترکستان غربی کشف شده است. (۱)

سطح خارجی این در ها نیز منبت کاری است و با اشکال ستاره یی چوبی که فوق العاده زیبا و با دقت ساخته شده مزین می باشد. (۲)

حقیقۀ این اشکال و تزیینات بهترین دلیل بر مهارت و استادی هنرمندان آن روز است و دقت و استادی آنها ازین آثار متجلی است و ثابت مینماید که در تنوع اشکال و ظاهر نمودن با بر جسته کردن مواد تزیینی تاچه حدی موفقیت داشته اند و این تنوع بحدی است که سطح را متعدد جلوه میدهد و چنان نمایش میدهد که سطوح متعددی از خلال

همدیگر نمایانست و یاروی همدیگر متحرک است و اگر چنین شهکاری را در های مقبرهء سلطان محمود داشته باشد جای شگفتی نیست، زیرا شهر غزنه در قرن پنجم هجری یکی از مراکز مهم فرهنگی بوده است و فنون و صنایع دران شهر رونق خوبی داشته و پیشرفت مهمی نموده و طرز فنی مخصوصی در انجا بوجود آمده که از حیث تکامل و موضوع تزیینات خیلی قابل توجه شده است. (۳)

مآخذ:

- (۱) سروی آرت ایران ج ۶ ص ۱۴۶۲.
- (۲) صنعت اسلامی از جی میگیون ج ۲ ص ۲۹۳ شکل ۱۱۳.
- (۳) صنایع ایران ص ۲۷۸.

نجاری

چوبی که راجع به قرن پنجم هجری (۱۱ م) محمود غزنوی بود که اکنون در هندوستان در ها مثبت کاری است و ازین حیث خیلی شبیه ترکستان غربی کشف شده است. (۱)

ها نیز مثبت کاری است و با اشکال ستاره یی با دقت ساخته شده مزین می باشد. (۲)

تزیینات بهترین دلیل بر مهارت و استادی دقت و استادی آنها ازین آثار متجلی است و اشکال و ظاهر نمودن با بر جسته کردن مواد داشته اند و این تنوع بحدی است که سطح را - نمایش میدهد که سطوح متعددی از خلال

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**